
Recreating
تختگاه کوروش کبیر
شکوه پاسارگاد
Pasargadae
Cyrus the Great's Paradise
فرزین رضاییان
Farzin Rezaeian








بنام آفریننده زیبایی ها





"منم کوروش، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سومر و اَکد، شاه چهار گوشهٔ جهان "

"I am Cyrus, king of the universe, the great king, the powerful king, king of Babylon, king of Sumer and Akkad, king of the four quarters of the world"

ISBN: 978-964-04-8964-2

سرشناسه: رضاییان، فرزین، ۱۳۳۹-
عنوان ونام پدیدآورنده:
شکوه پاسارگاد/ مولف و پدیدآورنده فرزین رضاییان.
ترجمه متون از انگلیسی به فارسی: ابوالحسن تهامی
طراحی تصاویر و گرافیک کامپیوتری: مرتضی یاهو، سارا عنصری،
محسن شریعتی، میثم کشاورز، اشکان آزرمی.
مشخصات نشر: تهران: فرزین رضاییان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۴۳ ص.: مصور (رنگی).
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۸۹۶۴-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عکاسان: حسین حضرتی سوئینی و جهانبخش مهربخش.
موضوع: هنر ایرانی-- مصور
موضوع: ایرانشناسان--مصاحبه ها.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۶ ر۵ الف / DSR۲۰۷۷
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۶۳۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۸۷۷۲۲

سرشناسه: رضاییان، فرزین، ۱۳۳۹-
مولف و پدیدآورنده: فرزین رضاییان
طراحی تصاویر و گرافیک کامپیوتری: مرتضی یاهو، سارا عنصری،
محسن شریعتی، میثم کشاورز، اشکان آزرمی.
مدیریت و برنامه ریزی چاپ ترانسپارانت: حمید متواضع
انتشارات: فرزین رضاییان
چاپ: ابیانه
لیتوگرافی: کحالی
صحافی: تهرانی
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۸۹۶۴-۲
مرکز فروش: خانه فرهنگ وهنر گویا
تهران، خیابان کریمخان زند، پلاک ۱۳۹ تلفن: ۸۸۸۲۳۱۲۰
دورنگار: ۸۸۸۴۲۹۸۷

Printed in Iran
www.sunrisefilmco.com

Garden of Cyrus

Cyrus made his garden at Pasargadae
channeling water from purple Zagros,
planting his scented groves in ordered rows,
bringing water and light to his orchards
whose hundreds of trunks were sun gilded
and whose leaves rustled with languages
of many satrapies. Later kings fashioned
their great halls of a hundred columns
after this garden of Cyrus, whose empire
was rooted in earth but looked heavenward.
At night stars glimmered like fruit
hung high in his garden's branches,
and voices of fountains sang like choirs
of children under flowering trees. At sunset
and at dawn when shadowed air was cool
Cyrus, Great Gardener of Persia, stood alone
reflecting glorious sun, spreading his arms
to either far horizon. Even then
he hardly cast a shadow, instead
spreading light around the world.

Patrick Hunt





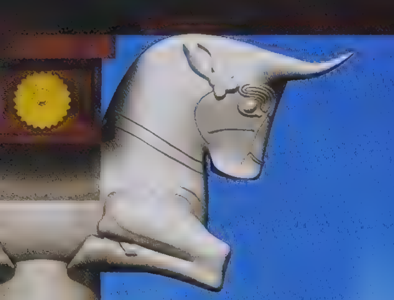


Table of Contents

فهرست

Preface

Over 2500 years ago, Cyrus the Great built one of the greatest and most exceptional capitals on Earth from which he wisely and benevolently ruled most of the then known world. The plan of this 300 hectares (741 acres) garden city with its remarkable palaces marks a true innovation in ancient Near Eastern architectural history. It was here in Pasargadae, for instance, that a lavish garden scheme known as *Pairidaiza* was first introduced, turning this palace complex into a lush landscape where life grew, water was the essence of life, and all the visitors were invigorated by the vibes. This evocative Persian word *Pairidaiza*, meaning a luxuriant garden with rows of well-ordered trees, reflecting pools with running water and fragrant flowers, was borrowed into Greek and Latin and became the word we still use today: "Paradise."

In the midst of this paradise, the single-focal axis buildings, appreciated from one direction only, that had dominated the Near Eastern architectural traditions for centuries, gave way to truly open, symmetric, four-sided structures with no fixed focal point that could be admired from any angle. In the vast area of the site, the monumental buildings were placed in spacious, well-watered grounds surrounded by a profusion of various trees and flowers. With fruit for taste, various flowers and further aesthetic pleasure to eye and nose as well as the sounds of singing birds and running water to the ears, this paradise was the epitome of sensory richness of all the five senses.

Unfortunately, over 2500 years later, crumbling ruins are the only remnants of what was once Persia's first shining capital city.

پیشگفتار

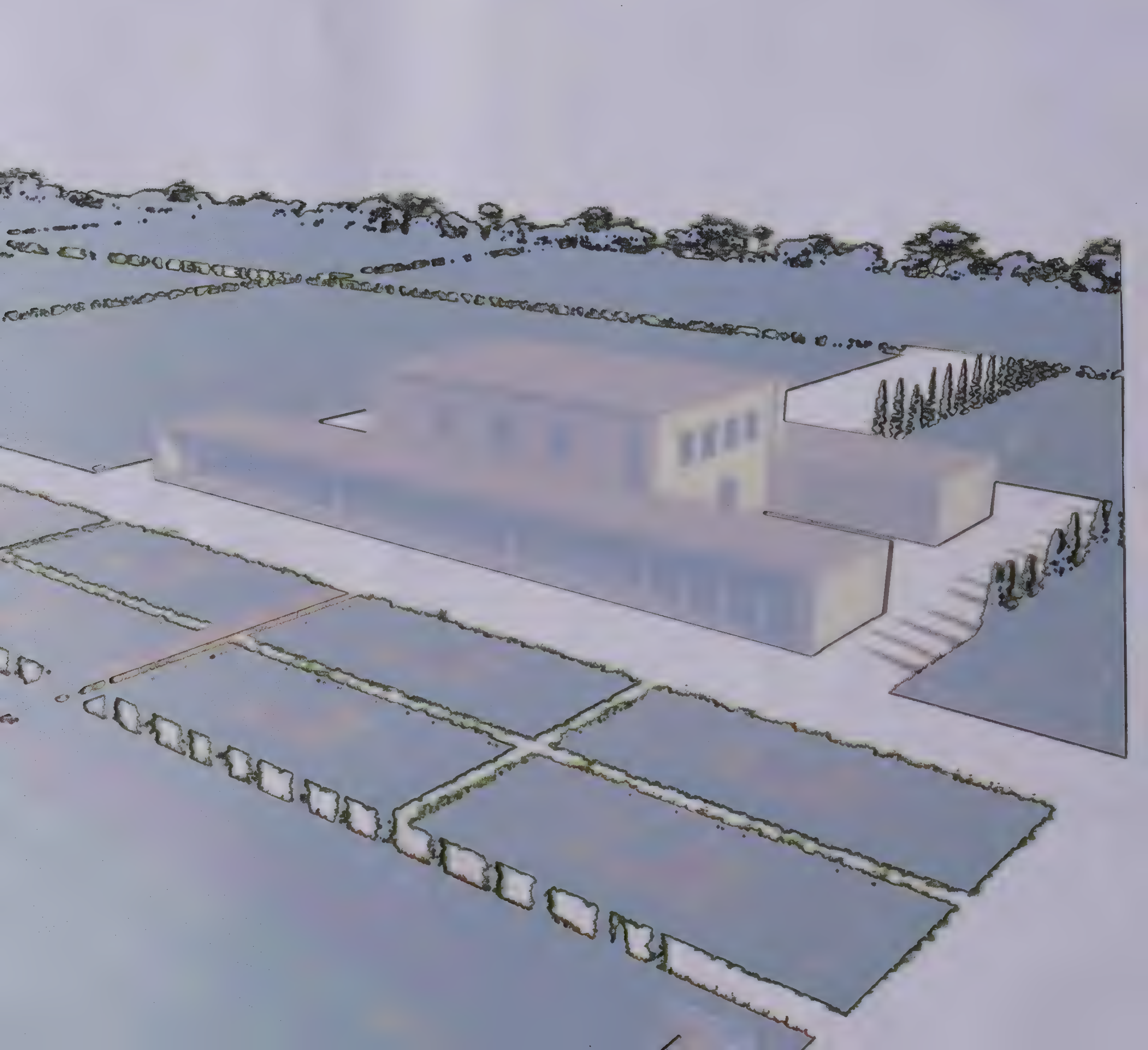
بیش از ۲۵۰۰ سال پیش کوروش کبیر شهر رویایی خود، پاسارگاد را به صورت یکی از باشکوه ترین پایتخت های گیتی بنا نهاد تا در آن ادارهٔ امور نیمی از جهان باستان را بدست گیرد. کوروش، پایتخت شگفت انگیز خویش را به صورت باغی بسیار بزرگ و گسترده طراحی کرد که نزدیک به ۳۰۰ هکتار را در بر می گرفت.

طراحی پاسارگاد با باغ ها و کاخ های نوظهورش انقلابی اعجاب آور در تاریخ معماری خاور نزدیک پدید آورد. کوروش، برای شکوفا ساختن بهشتی سرخوش در پاسارگاد، فرمان داد تا آب، این مایهٔ حیات را به زیبا ترین شکل ممکن در بستر جویبارهایی از سنگ سپید روان کنند تا هر دیدار کننده ای از برکت آن به وجد آید و خود را در بهشتی خرم و روح افزا بپندارد؛ و از این رو بود که نام باغ های پر جلوه اش را پردیس گذاشتند. این واژه از همان روزگاران از زبان پارسی به بسیاری زبان های جهان راه یافت و تا امروز به معنای بهشت به کار می رود. همچون فردیس، فردوس و Paradise

تا زمان هخامنشیان، در معماری خاور نزدیک سنت آن بود که کاخ ها را تک محوره و به گونه‌ای بسازند که فقط جبههٔ ورودی کاخ در کانون توجه دیدار کننده قرار گیرد. اما کوروش در بهشت خود کاخ ها را به گونه‌ای ساخت که هر چهار جبههٔ بیرونی‌شان زیبا و با شکوه جلوه‌گر شود و از هر چهار جبهه، راه ورود به آن بناهای دلگشا باز باشد. از آنجا که این کاخ ها در میان باغ هایی بسیار وسیع و در میان انبوه درختان و سبزه زاران بنا شده بود، به آن ها ابعادی بزرگ و شاهانه داده بودند. با این همه پاسارگاد را نباید شهری چون شهرهای دیگر پنداشت زیرا با هدفی ویژه پی‌ریزی شده بود. این شهر و طراحی فضای باز و دسترسی آسان به کاخهای آن بهترین نماد روش و منشی است که کوروش و دیگر پادشاهان هخامنشی، بیش از دویست سال امپراتوری گسترده شان را اداره می کردند.

امروز اما شوربختانه، از نخستین پایتخت شکوهمند امپراتوری پارس، جز ویرانه‌هایی چند، چیزی بر جای نمانده است. با اینحال، با کمک اکتشافات جدید باستان شناسان، اطلاعات نوین تاریخی و پیشرفت های علمی، می‌توان تصویری شگفت آور و نوین از این باغ-شهر بهشت گون را باز آفرینی کرد.







But today, with the help of cumulative findings of recent historical and archaeological research, a totally new picture could be recreated.

For this, we are very much indebted to the systematic examinations of the site by Professor Ernst Hertzfeld in 1928, by Dr. Ali Sami in 1951, and most significantly, by Professor David Stronach in 1963. Since then, field research and modern geomagnetic surveys have been carried out by joint Iranian and French experts, headed by Dr. Remy Boucharlat, between 1999 and 2001.

آفرینش این تصویر نوین از پاسارگاد مدیون دانش و پژوهش‌های روش‌مند باستان شناسانی است که سه تن از آنان سهمی بزرگ در روند این بازآفرینی داشته‌اند: پروفسور ارنست هرتسفلد در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸ میلادی)، دکتر علی سامی در سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۱ میلادی) و مهم تر از همه بازکاوی‌های پروفسور دیوید استروناخ در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۳ میلادی).

نزدیک به ۳۵ سال پس از پژوهش‌های پروفسور دیوید استروناخ، از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ میلادی)، دانشمندان و پژوهشگران ایرانی و فرانسوی، به سرپرستی دکتر رمی بوشارلا، با استفاده از امکانات نوین زمین شناسی و بکارگیری امواج مغناطیسی و فناوری ژئومگنتیک، به دانش ما از شکل عمومی پاسارگاد بیش از پیش افزودند.



[illegible]

[illegible] در سال ۱۹۶۳ و اکنون

Professor David Stronach, [illegible]

These techniques together with satellite imagery and computer-generated images now allow us to see Pasargadae in ways that never before were possible. In order to fill in the gaps in what survives, however, we are also fortunate to have an abundant source of information from other Achaemenid sites, such as Persepolis and Susa, as well as a large collection of magnificent artifacts, kept at different museums around the world, which help us to develop a composite reconstruction of the landscape, the buildings, the ambiance, and the people, from about 2500 years ago.

آنچه از رهگذر این کوشش ها به دست آمده، همراه با نماهای ماهواره‌ای و بازسازی رایانه‌ای، ما را قادر ساخته تا برای نخستین بار باغ-شهر پاسارگاد را به گونه‌ای ببینیم که پیش از این امکان‌پذیر نبوده است. بخت یار ماست که گنجینه ای غنی از دیگر بازمانده های دوران هخامنشی را در دو جایگاه تاریخی تخت جمشید و شوش همچنان در اختیار داریم تا برای پرکردن کمبودهای احتمالی این بازآفرینی از آن ها سود جوییم. افزون بر این، مجموعه های ارزشمند آثار باستانی ایران در موزه های بزرگ جهان نیز در کار بازسازی و نمایش "شکوه پاسارگاد" با کوشک‌هایش، جویبارهایش، بوستان‌هایش و مردمانی که ۲۵۰۰ سال پیش در آن [illegible]



دکتر رمی بوشارلا، استاد دانشگاه لیون و پژوهشگر ارشد [illegible] و همکاران ژئو-مغناطیس در پاسارگاد
Dr. Remy Boucharlat, senior resear[illegible] and his geo-magnetic research team at Pasargadae

These reconstructions, however, were not attainable without the encouragement and assistance of many scholars who generously shared their valuable knowledge with me through personal communication and interviews. In this respect, I am immensely indebted to:

- Professor David Stronach at University of California, Berkeley
- Dr. Remy Boucharlat at National Center of Scientific Research (CNRS), France
- Dr. Gil Stein, Dr. Abbas Alizadeh, Dr. Norman Golb, and Dr. Matthew Stolper of the Oriental Institute of the University of Chicago
- The late Dr. Shapur Shahbazi, Dr. Mohammad Talebian, Dr. Abdolmajid Arfaee, and Dr. Shahrokh Razmjoo in Tehran
- Professor Richard Frye of Harvard University
- Dr. Patrick Hunt of Stanford University
- Dr. John Curtis, Dr. Vesta Sarkhosh Curtis and Dr. Irwing Finkel of the British Museum
- Professor Pierre Amiet of the Louvre

I am extremely grateful for the extraordinary generosity with which they shared their knowledge, and also, for their interest and support. The guidelines and views of these scholars especially my sources of inspiration and encouragement, Dr. Abbas Alizadeh and Dr. Patrick Hunt who have kindly read the preliminary draft of this manuscript and made numerous constructive suggestions and criticisms in portraying a reconstructed Pasargadae were quite enlightening. Nevertheless, any inaccuracies or inadequacies are the sole responsibility of myself. Consequently, I beg the indulgence of readers if errors should be found.

Recreating Pasargadae has been the goal of a marathon production. In this arduous course I was supported and encouraged by my lovely wife and daughters, along with my colleagues at Sunrise Visual Innovations, as well as countless admirers of Iranian culture and civilization from around the globe. I would like to express my gratitude to each and every one of them and to all the individuals, institutions and museums who took part in the production of this book and its companion film.

I praise "the Source of All Beauty and Glory" for blessing me with such an incredible and brilliant legion of family and friends who have taken part in making a dream come true.

Now with their invaluable contribution and by combining science, art and imagination, we are able to reconstruct the gardens and palaces of Pasargadae—this wonderful world heritage site—in all its dazzling splendor.

Perhaps at this moment we can appreciate why Pasargadae was once considered to be "Cyrus the Great's Paradise on Earth."

Farzin Rezaeian
August, 2012



Reconstruction of the stone rosette, carved above the doorway of Cyrus Tomb

شکی نیست که برنامهٔ بازآفرینی پاسارگاد بدون تشویق و همدلی و راهنمایی بسیاری از دانشمندان که دانسته هایشان را سخاوتمندانه از رهگذر تماس‌های شخصی، و گفتگوهای حضوری در اختیار من نهادند، امکان‌پذیر نمی بود. به همین دلیل به پژوهشگرانی که نامشان در زیر آمده وامی بس بزرگ دارم:

- پروفسور دیوید استروناخ، ازدانشگاه کالیفرنیا، برکلی
- دکتر رمی بوشارلا، از مرکز ملی پژوهش های علمی فرانسه
- دکتر گیل اشتاین، دکتر عباس علیزاده، دکتر متیو استلپر و دکتر نورمَن گُلب از انستیتوی خاورشناسی دانشگاه شیکاگو
- شادروان دکتر شاپور شهبازی، دکتر عبدالمجید ارفعی، دکتر شاهرخ رزمجو و دکتر محمد طالبیان از تهران
- پروفسور ریچارد فرای از دانشگاه هاروارد
- دکتر پتریک هانت از دانشگاه استنفورد
- دکتر جان کُرتیس، دکتر اروینگ فینکل و دکتر وستا سرخوش کرتیس از موزهٔ بریتانیا
- پروفسور پی یر آمیه از موزهٔ لوور

در اینجا از سخاوت مثال زدنی این استادان بسیار سپاسگزارم، زیرا افزون بر در اختیار گزاردن اطلاعات ارزشمندشان، من و همکارانم را بیش از پیش به این بازآفرینی‌ها تشویق نمودند. دیدگاه ها و رهنمودهای این استادان، به ویژه پروفسور دیوید استروناخ و دکتر رمی بوشارلا که بازسازی های گرافیکی این اثر مستند را موشکافانه بررسی کردند، و دکتر عباس علیزاده و دکتر پتریک هانت که با علاقه دست نوشتهٔ اولیهٔ مرا خواندند و دیدگاههای خود را درمورد چگونگی این بازآفرینی در میان نهادند، بسیار آگاهی بخش و روشن گر بوده است.

با این همه، باید یاد آورشوم که مسئولیت هراشتباه دراین اثر را خود بر عهده می گیرم و از خوانندگان درخواست دارم وجود لغزشهای احتمالی در این اثر را برای اصلاح در ویرایش‌های آینده به آگاهی ما برسانند.

بازآفرینی پاسارگاد برای من و یارانم از دیرباز هدفی بزرگ و دوررس بوده است. همسر و دختران نازنینم، همکارانم در شرکت طلوع ابتکارات تصویری، همراه با گروه پرشمار ستایندگان فرهنگ و تمدن ایران در گرداگرد جهان، مشوق و یاری دهندهٔ من در رسیدن به این هدف بوده اند. در این جا از همهٔ آن ها، و همچنین ازیکایک افراد، سازمانها، و موزه هایی که در تهیهٔ این کتاب و فیلم، ما را همراهی کرده‌اند، صمیمانه تشکر می کنم.

بیش از پیش سپاس می‌گزارم سرچشمهٔ جمال و زیبایی ها را که سعادت داشتن خانواده‌ای چنین همدل و جرگه‌ای ازیاران و پشتیبانانی چنین مهرورز را به من عطا کرده است تا رویا و آرزویی دیرین رنگ واقعیت به خود بگیرد.

اکنون با کمک های پرارزش این یاران و با درهم آمیختن سه عنصر دانش، هنر و تخیّل، توان آن داریم که باغ ها وکاخ های پاسارگاد- این میراث شگفت بشری- را با همهٔ شکوه و زیباییش، بازآفرینی کنیم. بدین سان، شاید بتوان دریافت که چرا پاسارگاد را "بهشت کوروش کبیر" بر روی زمین می‌نامند.

فرزین رضائیان
مرداد ۱۳۹۱

بازسازی گل آرایهٔ سنگی که بالای در ورودی آرامگاه کوروش تراشیده شده بود



"Golden skies and silver water, black-green cypresses against white-blossoming trees, clustered figures in raiment of scarlet, crimson and azure, bright gardens behind slender fences of cinnabar-red: these together compose the gayest of all possible symphonies."

Arthur Upham Pope



"آسمان های زرین و آب های سیمین، سروهای سبز فام، درختان سرشار از شکوفه های سفید، باغ های روشن با دیوارهای کوتاه عنابی رنگ، مجموعهٔ اینها زیبا ترین و خوش ترین سمفونی ها را می‌سازد." آرتور پوپ

Introduction

About five thousand years ago, the Indo-European tribes who lived in the Eurasian plains, domesticated the horse. This radical and significant change in the mode of transportation and warfare, ultimately, enabled them to move faster and, thus, expand their territories further.



Dr. Shapur Shahbazi, Eastern Oregon University:
"Some of these tribes who were called 'Aryan' ('noble' or 'free born') eventually migrated to two distinct areas: one group settled in the Indus valley, and the other in the area they called 'Aryanam Khashatram,' that is, the 'land of the Aryans.' This designation gradually changed to 'Eran-Shahr' and finally to Iran."



Thus Iran differs ethnically from its western neighbors. The Iranians are neither Arabs, nor do they belong to the family of Turkic Peoples. They are, as the name of their country indicates, of Aryan origin; in other words they belong to the same family as most of the peoples of Europe and India do.



Golden rhyton from Amlash, c. 800 B.C., Iran National Museum, Tehran

جام زرین، املش، حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد، موزهٔ ملی ایران

دیباچه

نزدیک به ۵۰۰۰ سال پیش قبیله‌های هند و اروپایی که در دشت های اوراسیا (اروپا-آسیا) می زیستند، اسب را برای نخستین بار رام کردند و با این کار انقلابی سترگ در ترابری و روش‌های رزمی ایجاد کردند. با استفاده از اسب بود که این قبایل توانستند سریع تر زمین پیمایی کرده و برسرزمین ها و قلمروشان بیافزایند.



دکتر شاپور شهبازی، دانشگاه ایسترن اورگان آمریکا: "برخی از این قبایل که آریایی، یعنی 'نژاده' یا 'آزاد مردمان'، خوانده می‌شدند، سرانجام به دو سرزمین مشخص کوچیدند: گروهی در درهٔ سند ماندگار شدند و گروه دیگر در سرزمینی جای گرفتند که آن را 'آریانام خشَت رَم' نامیدند، یعنی 'سرزمین آریاها'. این نام رفته رفته به 'ایران شهر' و سرانجام به ایران تبدیل شد."

از این رو ایرانیان با برخی همسایگان نزدیکشان به لحاظ نژادی متفاوت اند. ایرانیان عرب نیستند و همان گونه که از نام کشور و زبانشان آشکار می شود، از نژاد آریایی‌اند. به دیگر سخن، به همان خانواده ازمردمان تعلق دارند که بیش تر ساکنان اروپا و هند از آن خانواده اند.





جام زرین متعلق به عصر آهن (حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد)، مارلیک، موزهٔ ملی ایران

Iron Age gold vessel from Marlik, Iran National Museum, Tehran



Long before the arrival of the Iranian tribes, there were other people living in what later became the land of Iran.

بـا اینحال قرن‌ها پیش از آمدن آریاییان به سـرزمینی که بعدها ایران نامیده شد، مردمان دیگری از نژادهای گوناگون در این مرز و بوم می زیستند.

Dr. Abbas Alizadeh, The University of Chicago: "Most notable of these were the Elamites whose kingdom had flourished in lowland Susiana and highland Fars, with centers in the cities of Susa and Anshan. They transmitted many elements of their culture, such as their formal costume, writing and many aspects of their art to the Persians who had gradually occupied their highland territory of Fars."

دکتر عباس علیزاده باستان شناس و استاد دانشگاه شیکاگو: "مهمترین این اقوام عیلامی‌ها بودند که پادشاهی‌شـان در شـوش و اَنشـان، کانون‌های قدرت باسـتان در خوزسـتان و فارس امروزی، به شـکوفایی رسید. بسیاری ازعناصـر فرهنگی اقوام مهاجر ایرانی مانند هنر، خط و نگارش، و حتی شیوهٔ پوشش، به شدت متأثر از عیلامی‌ها است."

بخشی از بافـت شـهر شـوش که کـاوش شده است

Part of the excavated site in present-day Susa in Khuzestan

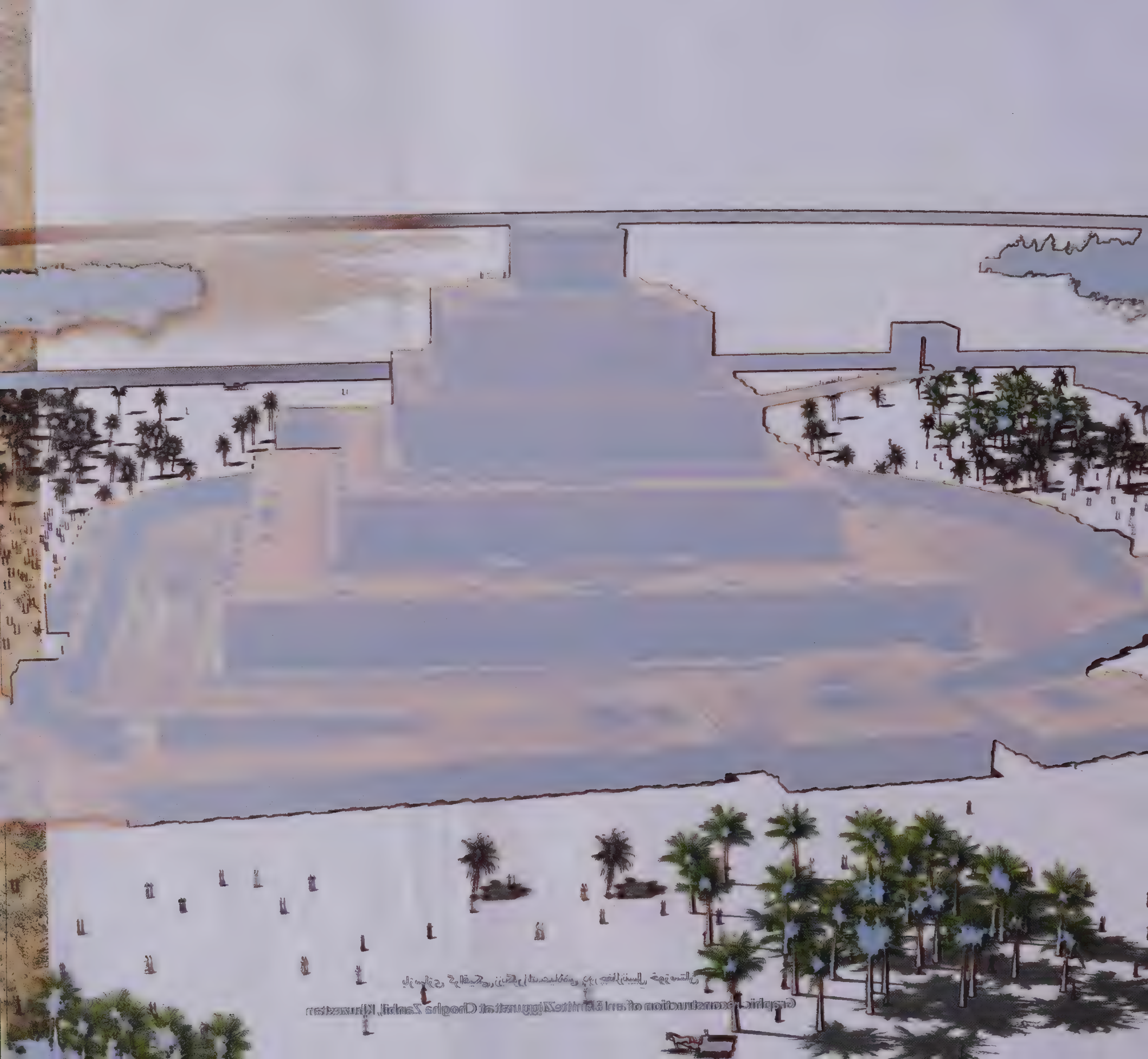
نیم تنهٔ گلی یک بزرگزادهٔ عیلامی، شوش، ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد، موزهٔ لوور

Elamite funerary head, c. 1500 B.C., The Louvre



بازسازی گرافیکی زیگورات عیلامی در چغازنبیل خوزستان

Graphic reconstruction of an Elamite Ziggurat at Chogha Zanbil, Khuzestan



Graphic reconstruction of an Elamite Ziggurat at Chogha Zanbil, Khuzestan



The Medes and the Persians

Of those tribes who came to the Iranian Plateau, the Medes settled in the northwestern part and the Persians occupied the south-central part of the Plateau. The Medes were the first Iranian people to establish an independent state in ancient Iran with Ecbatana (present-day Hamadan) as their capital city. Yet it was the union between the Medes and the Persians that radically changed the course of history in the ancient world.

مادها و پارس‌ها

از قبیله‌های آریایی که به فلات ایران کوچ کردند، مادها، به شـــمال غربی رفتند و پارس ها جنوب ایران را برگزیدند. مادها نخســـتین قوم ایرانی بودند که در ایران باســـتان کشورمســـتقلی با پایتختی اکباتان (همدان کنونی) بنیاد کردند. اما آنچه که مســـیر تاریخ را در جهان باستان دگرگون کرد پیوند و اتحاد میان اقوام ماد و پارس بود.

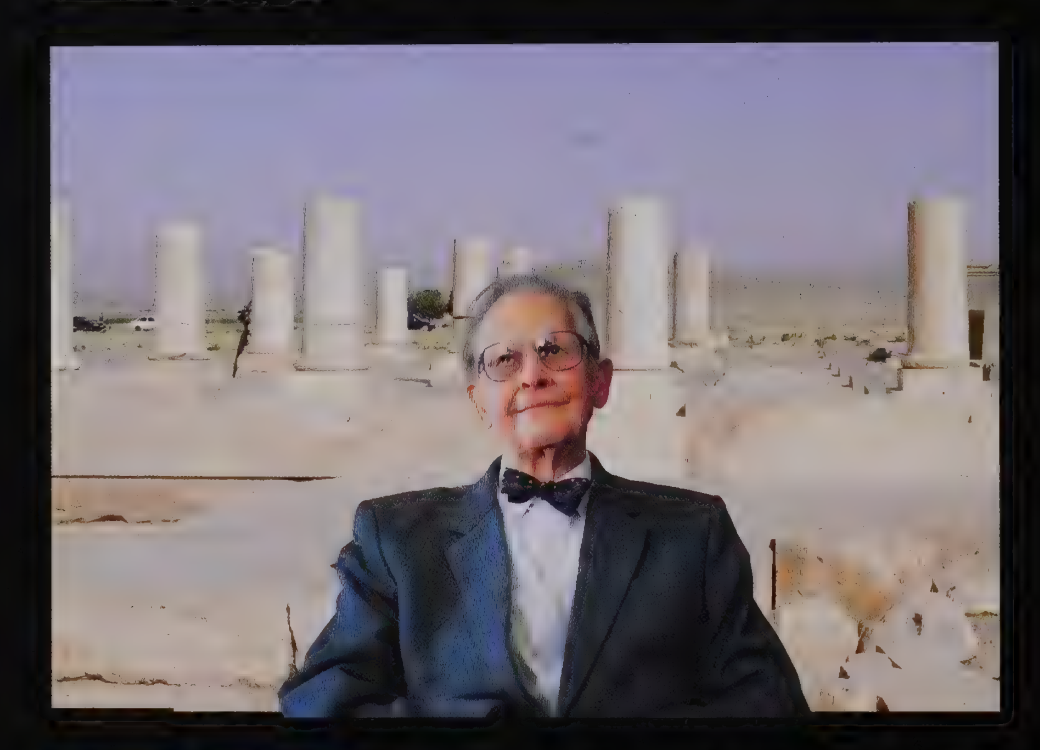



CASPIAN
SEA
Medes
Ecbatana
Pasargadae
Persians



Cyrus the Great

The year was 600 B.C. According to the famous Greek Historians, Herodotus and Xenophon, both of whom drew on Persian sources, Cyrus was born from the union between the Persian Cambyses I and Mandane, a daughter of the powerful Median king Astyages.



Professor Richard N. Frye, Harvard University: "Astyages is said to have had a dream that was interpreted by the Magians [Priests] at his court as a prediction that his grandson, Cyrus, would take his place as king. Astyages, therefore, summoned his pregnant daughter Mandane from Persia and, after Cyrus was born, ordered that he be killed. The task was given to his top advisor Harpagus, who turned the infant over to a shepherd whose wife had given birth to a dead baby. The shepherd and his wife substituted their dead baby for Cyrus and raised him. When the boy was ten years old, Astyages discovered the truth, recognized him as his grandson, and sent him back to his parents in Persia."

Gold plaque showing a Median man carrying a barsom, The British Museum

کوروش کبیر

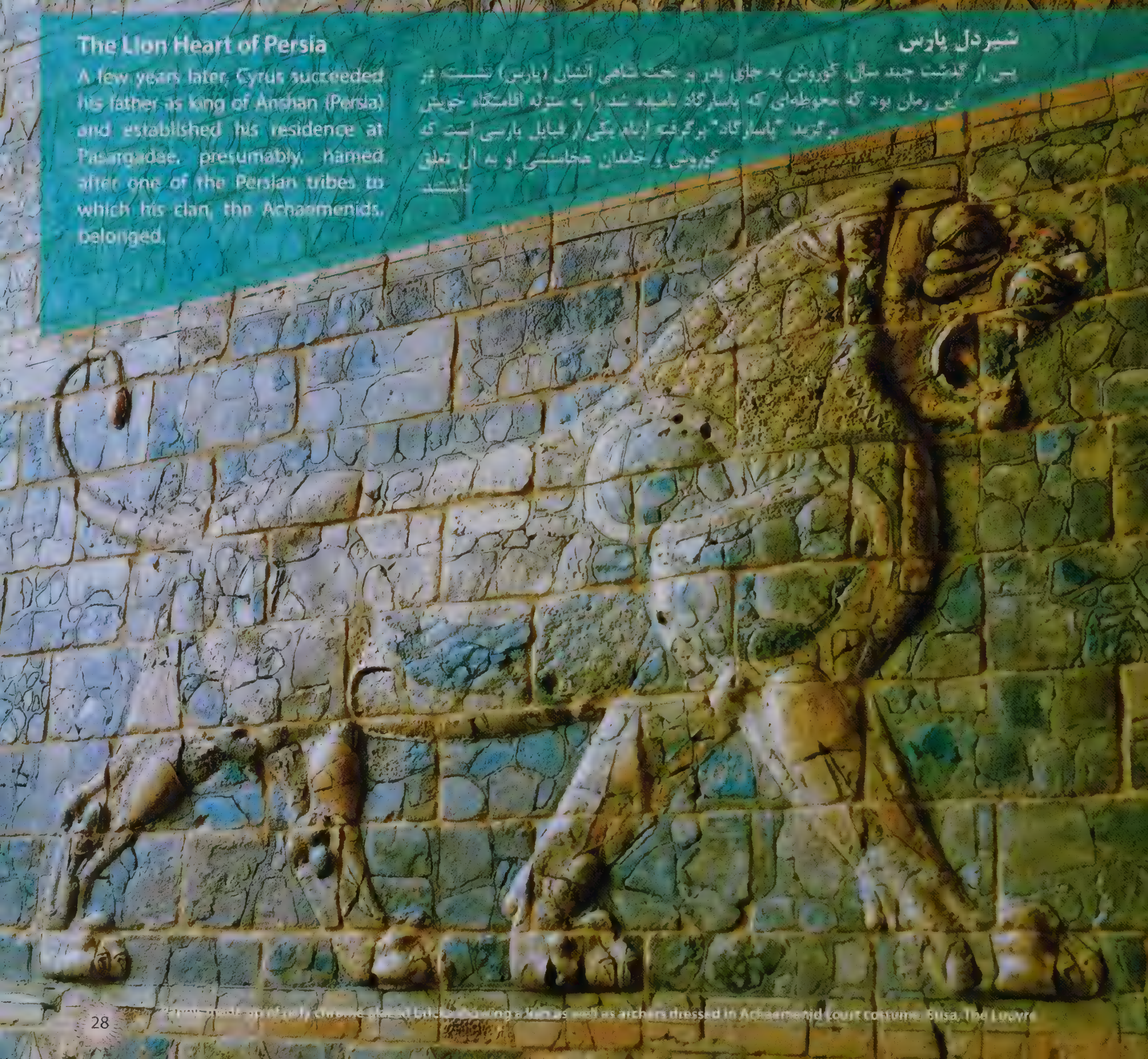
بـه گواهی هرودوت و گزنفون، تاریخ نویسـان نام‌آور یونانی، که هر دو از رخدادهای ایران هخامنشـی بسـیار نوشته اند، رویدادی بزرگ در سـال ۶۰۰ پیش از میلاد شکل گرفت. در این سال بود که نوزادی به نام کوروش از پیوند میان کمبوجیهٔ یکم، شـاهزادهٔ پارس، و ماندانا دختر آستواگ (آژیدهاک) آخرین پادشاه ماد بوجود آمد.





پروفسـور ریچارد فرای، دانشـگاه هاروارد: "گفته اند که آسـتواگ خوابی دید و مُغان درباری که بزرگان دینی کشـور بودند، خواب او را این گونه تعبیر کردند که نوهٔ او، کوروش، وی را سـرنگون خواهد کرد. از این رو، آسـتواگ دخترش ماندانا را که باردار بود از پارس فراخواند و پس از زاده شدن کوروش فرمان داد تا او را از میان بردارند. آستواگ این کار را به وزیر خود هارپاگ سپرد، و او نیز کشتن نوزاد را به چوپانی واگذاشـت. قضای روزگار چنان بود که زن چوپان در همان روز کودک مرده ای زاده بود، پس از چوپان خواسـت تا کوروش را به فرزندی پذیرفته و جسـد نوزاد را به عنوان گواه اجرای امر به هارپاگ نشان دهد. هنگامی که کوروش به ده سالگی رسید آستواگ از ماجرا آگاه گشت، ولی مهر کوروش را به دل گرفت و او را نزد پدر و مادر به پارس روانه کرد."

پلاک طلایی که یک نفر با لباس مادی را نشان می دهد، دورهٔ هخامنشی، موزهٔ بریتانیا



The Lion Heart of Persia

A few years later, Cyrus succeeded his father as king of Anshan (Persia) and established his residence at Pasargadae, presumably, named after one of the Persian tribes to which his clan, the Achaemenids, belonged.

شیردل پارس

پس از گذشت چند سال، کوروش به جای پدر بر تخت شاهی انشان (پارس) نشست. در این زمان بود که محوطه‌ای که پاسارگاد نامیده شد را به منزله اقامتگاه خویش برگزید. "پاسارگاد" برگرفته از نام یکی از قبایل پارسی است که کوروش و خاندان هخامنشی او به آن تعلق داشتند.

Panels made up of polychrome glazed bricks showing a lion as well as archers dressed in Achaemenid court costume. Susa, The Louvre



At this time, according to the Babylonian *chronicle of Nabonidus*, "in the sixth year of Nabonidus (550-549 BC), King Ishtu-megu (Astyages) called up his troops and marched against Cyrus, king of Anshan. But his army [revolted against him] and in fetters they delivered him to Cyrus. Cyrus [marched] against the country Agamtanu (Media); the royal residence [he seized]; and brought silver, gold, and [other] valuables to Anshan."

در این دوران، به گواه وقایع نگاران بابلی: "در سال ۵۵۰ پیش از میلاد، پادشاه ماد، استیواگ، لشکری بهم آورد و به جنگ کوروش، شاه انشان، رفت. اما لشکریان او سر از فرمان وی پیچیدند و استیواگ را به زنجیر کشیده به کوروش سپردند. کوروش سپس لشکر به کشور ماد برده، کاخ شاهی بگرفت و زر و سیم و دیگر ارزیدنی ها به غنیمت به انشان برد."

نقش یک شیر و همچنین کمانداران هخامنشی (گارد جاویدان) که با آجرهای رنگی لعابدار ساخته شده اند، مربوط به کاخ آپادانا در شوش، موزهٔ لوور

The First World Empire

Thereafter, the unified Persians and Medes needed only about 30 years to stand out from shadows and create an empire which spanned across three continents. The resulting empire, nearly two million square miles in extent, was the largest empire the world had ever seen. Thus, for a period that lasted over two centuries, people from Greece to Ethiopia and from Libya to India came to regard the monarch on the throne of Persia as the "king of kings".

نخستین امپراتوری جهانی

فقط سی سال پس از پیوند پارس ها و مادها بود که این دو قوم ایرانی توانستند سایه قدرت کشورهای دیگر همچون آشور و بابل را از سر خود زدوده و شاهنشاهی بزرگی پایه ریزی کنند که سه قاره بزرگ گیتی را در بر می گرفت. این سرزمین، بزرگترین امپراتوری بود که جهان تا آن زمان به خود دیده بود. از آن دوران، مردمان گوناگونی از یونان تا حبشه و از لیبی تا هند مقام پادشاه ایران را بر اورنگ شاهی بزرگ می داشتند و او را شا [illegible]



بازسازی گرافیکی کاخ سه دروازه یا تالار شورا در پارسه که در آن پادشاهان هخامنشی با نجیب زادگان پارسی و مادی به مشورت می نشستند

A graphic reconstruction of the Tripylon Palace at Persepolis where Achaemenid kings held council with Persian and Median noblemen

Map of the Empire

نقشه امپراتوری

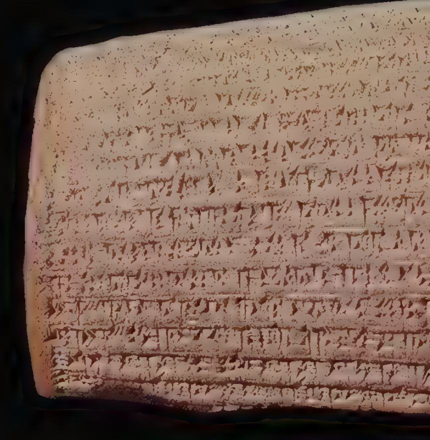


The founder of this vast empire was Cyrus the Great. Aside from his own nation, who according to Herodotus, called him their father, Cyrus the Great also had a lasting impact on many other nations: The priests of Babylon recognized him as the appointed of their god, Marduk; the Jews as a messiah sent by Yahweh; and the Greeks, such as Xenophon portrayed him as an ideal ruler, while Plato considered him a wise statesman.

Extraordinarily ahead of his time, Cyrus's vision, of a society of religious and cultural tolerance, inspired the foundation of his fabulous empire. In this respect, his famous cylinder (held at the British Museum) has been considered by many to be the first declaration of human rights in the world.

The Cyrus Cylinder

Following traditional Near Eastern practice, the Persian kings buried foundation deposits under newly constructed buildings.
Belonging to this tradition is the so-called Cyrus Cylinder that was inscribed
in Babylonian and placed as a foundation deposit in the walls of Babylon to commemorate Cyrus's restorations there in 539 B.C.
The cylinder was discovered in 1879 by Hormuzd Rassam during his excavations in Babylon at the site of Marduk temple.



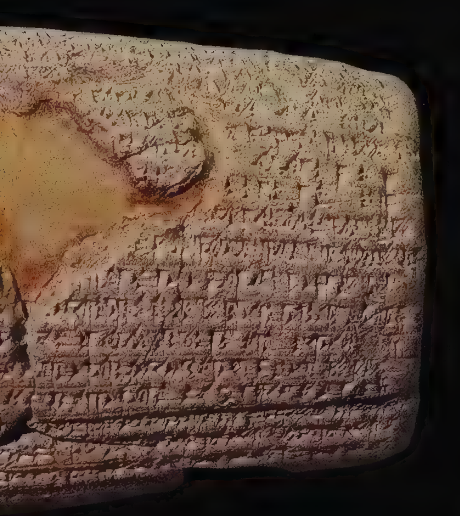
The Cyrus Cylinder, c. 539 B.C., The British Museum

بنیان‌گذار این امپراتوری پهناور، کوروش هخامنشی، افزون برمردمان کشورخود، که به گفتهٔ هـرودوت او را پدر خویش می‌خواندند، بر مردمان دیگر نیز تاثیری ماندگار نهاده بود: عالمان دینـی بابل او را فرسـتادهٔ ایـزد خود، مردوک، می‌دانسـتند، یهودیان او را به منزله مسـیح و نجات بخش خود می‌شـناختند، تاریـخ نگارانی همچون گزنفـون، او را فرمانروایی ایده آل می‌پنداشتند، و فرزانگان یونان همچون افلاطون، او را در خردمندی و کشور داری می‌ستودند.

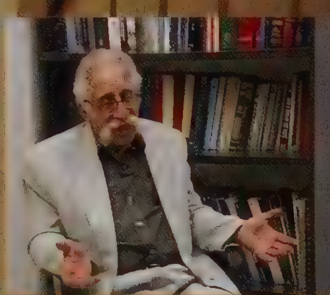
اینها همه بدین خاطر بود که امپراتوری افسانه وار کوروش، بر شالودهٔ احترام به دین و فرهنگ دیگران اسـتوار بود. این دیدگاه بشر دوسـتانه که از زمانهٔ خود بس پیش تر و مترقی تر بود، در منشـور استوانه ای شکل وی ابدی شده اسـت. از این رو بسیاری بر این باورند که منشور کوروش، نخستین اعلامیهٔ حقوق بشر در جهان است.

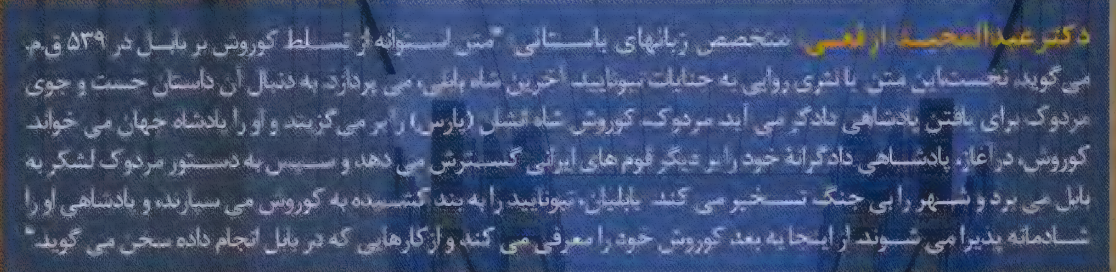
منشور کوروش

پادشاهان ایرانی به پیروی از آیین های باستانی مرسوم در آن دوران، درون پیِ بناهایی که می ساختند پیکرک، سنگ-نوشته و یا گل-نوشتهٔ یادمانی قرار می دادند. آنچه که به منشور کوروش معروف شده است نیز در شمار چنین یادگارهاست که به خط بابلی متنی بر آن نوشته و در شالودهٔ حصار بابل به یادگار نهاده شده بود تا یادمانی باشد از فرمان کوروش در بازسازی آن در ۵۳۹ پیش از میلاد. این استوانهٔ بی همتا در سال ۱۸۷۹ توسط هرمزد رسام به هنگام کاوش های باستان شناختی در نیایشگاه مردوک (ایزد پشتیبان بابل) یافت شد.



منشور معروف کوروش، قرن ششم پیش از میلاد، موزهٔ بریتانیا





دکتر عبدالمجید ارفعی متخصص زبانهای باستانی "متن استوانه از تسلط کوروش بر بابل در ۵۳۹ ق.م. می گوید. نخست این متن با نثری روایی به جنایات نبونایید آخرین شاه بابلی، می پردازد. به دنبال آن داستان جست و جوی مردوک برای یافتن پادشاهی دادگر می آید. مردوک، کوروش شاه انشان (پارس) را بر می گزیند و او را پادشاه جهان می خواند. کوروش، در آغاز، پادشاهی دادگرانهٔ خود را بر دیگر قوم های ایرانی گسترش می دهد و سپس به دستور مردوک لشکر به بابل می برد و شهر را بی جنگ تسخیر می کند. بابلیان، نبونایید را به بند کشیده به کوروش می سپارند، و پادشاهی او را شادمانه پذیرا می شوند. از اینجا به بعد کوروش خود را معرفی می کند و از کارهایی که در بابل انجام داده سخن می گوید."



Dr. A. M. Arfaee, [illegible], Tehran

"The text contains an account of Cyrus's conquest of Babylon in 539 B.C. [illegible] with a narration by the Babylonian [illegible] of the [illegible] the last Babylonian king. It then follows an account of Marduk's search for a righteous king. He chooses Cyrus, King of Anshan [illegible] declares him king of the world. First, Cyrus expands his kingship over the tribes of Iran, ruling them justly. Then, Marduk orders Cyrus to march on Babylon, which he enters without a fight. [illegible] into his hands and the people of Babylon joyfully accept the kingship of Cyrus. Then it goes on and depicts how Cyrus [illegible] who were captive in Babylon."



Dr. John Curtis, The British Museum : "This inscribed clay cylinder confirms what history and religious texts recorded about Cyrus and his deeds as a ruler. Although various sources acknowledged Cyrus's respect for conquered peoples, this was the first time that the words of Cyrus himself had been preserved. There is no direct reference to human rights in the Cylinder, but the inscription clearly shows the humane and respectful treatment by a ruler unprecedented in the ancient world."



دکتر جان کرتیس، موزه بریتانیا، لندن: "نوشته های این استوانهٔ گلی گواهی است بر آنچه که متن های دینی و تاریخی در بارهٔ کوروش و کردارش ثبت کرده اند. گرچه منابع تاریخی گوناگون از احترام کوروش به مردم کشورهای فتح شده بسیار سخن گفته اند، در این استوانه او خود از احترام به ملت های زیر دستش سخن می راند. در نوشته های این استوانه به صورت مستقیم سخنی از حقوق بشر در میان نیست، اما نگرش مهرآمیز و محترمانهٔ پادشاه به مردمان سرزمین های گوناگون، آشکارا دیده می شود، و این در جهان کهن سابقه نداشته است."









The Cyrus Cylinder and three Achaemenid clay tablets, The British Museum

منشور کوروش و چند لوح گلی از دوران هخامنشی، موزهٔ بریتانیا

Dr. Norman Golb, The University of Chicago: "In Babylonia, Cyrus freed the Jews who had been living there as captives ever since Nebuchadnezzar destroyed Jerusalem and its Temple. But that was not the end of it. Later Ezra and Nehemiah were sent to Jerusalem as official representatives of the king to enforce the welfare of the Jewish community. Cyrus is the only Gentile in the Bible to be referred to as 'anointed one'."



A group of Iranian Jews at a synagogue in Isfahan

مراسم مذهبی هم‌میهنان یهودی در اصفهان

دکتر نورمن گُلب، اســتاد تورات شناســی، دانشگاه شــیکاگو: "کوروش، یهودیانی را که پس از ویرانی اورشلیم به دست نبوکدنصر به منزله اسیر و برده در بابل می زیستند، آزاد کرد. اما این آزادی پایان کمک های مردم دوستانهٔ وی نبود. کوروش سپس نَحمیا و عَزرا را به منزلهٔ نمایندگان و فرستادگان شاهی به اورشــلیم گســیل کرد تا آن را بازســازی کنند. در جهان باستان هیچ کس چنین نکرده بود و پس از آن نیز چنان نکرده است. او یگانه نیک مرد غیر یهودی است که در کتاب تورات از او با نام 'مسیح' و 'ناجی' یاد می شود."

Cyrus, therefore, did not merely triumph over his enemies; he conquered their hearts as well with caring for their needs as a gardener would. Some five hundred years before Christ, not only did the people from across his vast empire, from the Aegean in the west to the Hindu Kush in the east, hail Cyrus, but also for centuries afterwards, the benevolent reputation of the founder of the Persian Empire sustained the grandeur of the Empire, even among its adversaries. According to the Greek writer Xenophon, Cyrus "eclipsed all other monarchs, either before him, or since."



نزدیک به پانصد سال پیش از میلاد مسیح، کوروش فقط بر دشمنان پیروز نمی شد، بلکه با کردار و گفتار خود قلب های ایشان را نیز تسخیر می کرد. از این رو مردمان، نه تنها در زمان زنده بودنش او را می‌ستودند، بلکه شکوه و درخشش یاد و نام او تا قرن ها در قلب ها زنده و پاینده بود. به گواه گزنفون یونانی: "کوروش به راستی همه فرمانروایان قبل و بعد از خود را تحت الشعاع عظمت خویش قرار داده بود."



باغ‌های شاهی

کوروش دوستدار باغ و بوستان و نگاهدارنده خرمی طبیعت بود. واژه پردیز(*Pairidaiza*) که باغ‌های کوروش را به آن می‌نامیدند از زبان پارسی به دیگر زبان‌های جهان رفت و معنای بهشت آسمانی را یافت. اما شاید خرم‌ترین باغ شهر در دوران باستان که هم بهشت بود و هم گلستان، پاسارگاد نام داشت.

The Royal Gardens

Cyrus loved gardens and paid great attention to the conservation of nature. From the Persian word *Pairidaiza*, we have inherited the fantastic word "paradise."
But, at the heart of their royal paradises, stood Pasargadae: perhaps the richest garden city under the sun.



Pasargadae: Cyrus the Great's Paradise on Earth

Clues to the special design of Pasargadae lie in recent geophysical inspections carried out by joint Iranian-French scientists, headed by Dr. Remy Boucharlat.

بهشت کوروش بزرگ بر روی زمین

[illegible]

Dr. Remy Boucharlat, Lyon University: "This survey which was implemented during six seasons, each lasting for 3 to 4 weeks, covered an area of 45 hectares out of the whole park area which is about 300 hectares. Our findings show that unlike other ancient cities, there was no rampart or military fortification surrounding this huge complex at Pasargadae."

[illegible]



Thus, Pasargadae was not a military or economic capital; it was first and foremost a symbolic and ceremonial place where Cyrus manifested his benign rule. It was so significant and sacred that, even after Cyrus, the Achaemenid kings held their majestic coronation ceremonies there.

از این رو بنظر می رسد پاسارگاد پایتختی تجاری و یا نظامی نبوده، بلکه بیش از هر چیز نقشی آیینی و نمادین داشته که کوروش از آن با نیک‌خواهی بر جهان فرمان می رانده است. پاسارگاد چندان با اهمیت و مقدس بوده که حتی پس از کوروش، دیگر پادشاهان هخامنشی نیز آیین های با شکوه تاج گذاری شان را در آن برگزار می کردند.



Professor David Stronach, University of California, Berkeley: "By de-emphasizing its defensive role in favor of its ceremonial function, Cyrus may have been displaying both the strength of an empire that had little need of static defenses, and the benevolence of a ruler who sought to welcome rather than exclude the peoples of his dominion."

پروفسور دیوید استروناخ، [illegible] دانشگاه کالیفرنیا، برکلی: [illegible]

Pasargadae: An Overview

Pasargadae, the spacious capital and final resting place of Cyrus the Great is located in northern Fārs region, about 40 km (in a direct line) to the northeast of Persepolis and stands 1,900 m above sea level.

پاسارگاد: نگاهی کوتاه

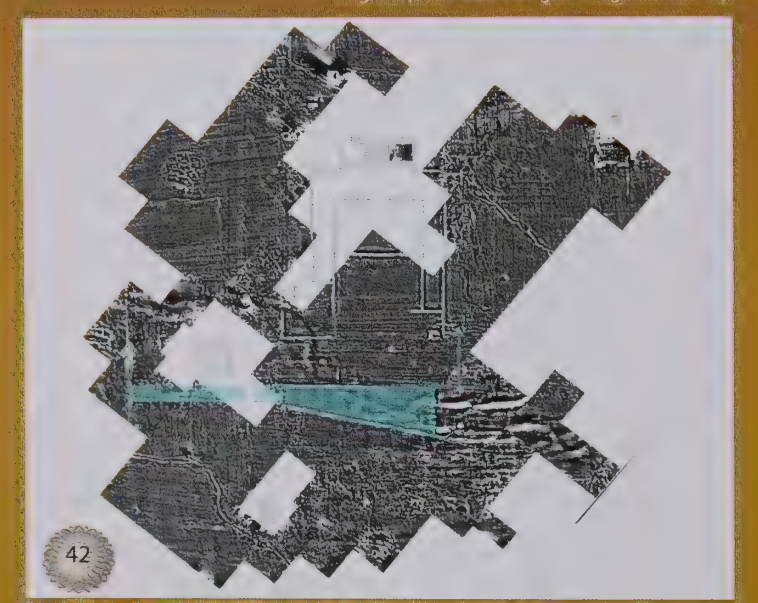
پاسارگاد، پایتخت شکوهمند و آرامگاه ابدی کوروش کبیر در شمال استان فارس، و تقریبا در چهل کیلومتری شمال شرقی تخت جمشید در حدود ۱۹۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

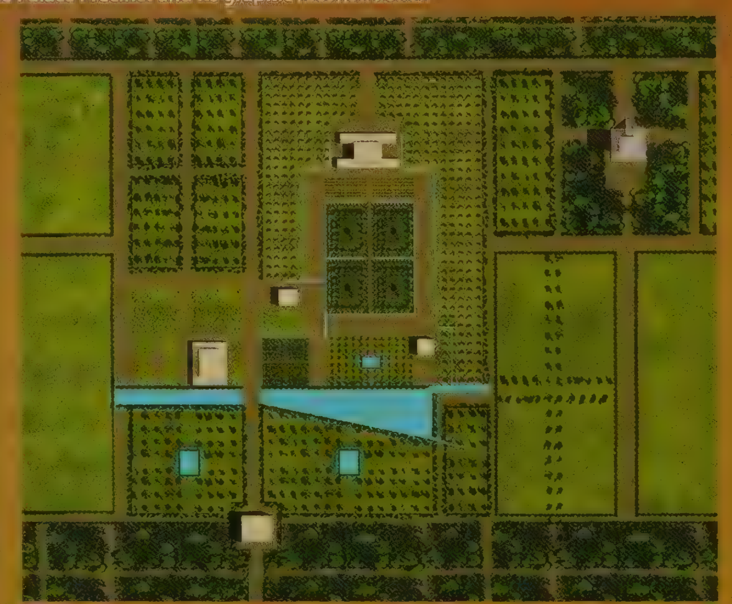
Dr. Remy Boucharlat, Lyon University, France: "Our surveys show that the park of Pasargadae probably covered the whole flat part of the Royal site, from the Citadel to the Cyrus tomb. Towards south and south-east, the park continued beyond the large artificial lake and included the Entrance Gate. Northwards, it probably included the rectangular enclosure which we could detect around the monumental stone tower and finally reached the foot of the Tall-e Takht. In this picture, there is no place for a city. Therefore, the only area suitable for habitation is the area beyond the Tall-e Takht, where the geomagnetic survey evidenced numerous buildings."

دکتر رمی بوشارلا، باستان شناس و استاد دانشگاه لیون فرانسه: "بررسی‌های ما نشان می‌دهند که باغ‌های پاسارگاد احتمالا همهٔ بخش مسطح دشت، از آرامگاه کوروش تا تپه موسوم به تل تخت را که در حدود ۳۰۰ هکتار می شود دربر می گرفته است. در درون این مجموعه، دریاچهٔ مصنوعی بزرگی وجود داشت که در نزدیکی آن برج یادمانی و کاخهایی با شکوه قرار داشتند. اگر این تصویر را بپذیریم، جایی برای شهر باقی نمی‌ماند. در نتیجه، تنها جای در خور سکونت، در آن سوی تل تخت بوده که بررسیهای ژئو-مگنتیک ما وجود ساختمان های بسیاری را در آن بخش مشخص کرده اند."

نقشهٔ بخش مرکزی پاسارگاد بر مبنای نتایج بررسیهای ژئو-مغناطیسی و بازسازی رنگی و گرافیکی آن

Original plan based on geo-magnetic survey of the Palace Precinct and its graphic reconstruction






Hence, the focal points at Pasargadae are as follow:
بدین ترتیب نقاط اصلی و چشم‌گیر پاسارگاد عبارت بوده‌اند از:
1 The Cyrus Tomb. ۱ آرامگاه کوروش
2 The Throne Hill ۲ تل تخت یا تپهٔ تخت.
3 The Monumental Tower ۳ برج یادمانی
4 The Entrance Gate ۴ کاخ ورودی
5 The Audience Hall ۵ کاخ بارعام
6 The Private Palace ۶ کاخ اختصاصی
7 Pavilion A ۷ کوشک اول
8 Pavilion B ۸ کوشک دوم
1
2
3
4
5
6
7
8



The Cyrus Tomb

Cyrus died in 530 B.C. Since then, his resting place has been the central attraction for visitors to Pasargadae. His tomb which originally reached almost eleven meters in height, is a gabled funerary chamber with a low, narrow doorway at the top, placed on six stepped courses made of white stone.

Professor Stronach,
University of California, Berkeley:
"The only decorative element on the tomb that may not have been used to define a structural component is a large raised disc or rosette that was carved into a protruding boss in the centre of the pediment directly above the doorway."

آرامگاه کوروش

کوروش در سال ۵۳۰ پیش از میلاد درگذشت. از آن زمان تا کنون آرامگاه او مرکز توجه بازدید کنندگان پاسارگاد بوده است. آرامگاه او در یازده متری از سطح زمین، بر فراز سکویی شش ردیفه از سنگ سپید قرار دارد. اتاق آرامگاه در فراز سکو، دارای دری باریک و کوتاه و سقفی شیروانی از سنگ است.

پروفسور دیوید استروناخ،
کاوشگر اصلی پاسارگاد و استاد دانشگاه کالیفرنیا در برکلی: "در این آرامگاه چیزی جز سادگی و استحکام به چشم نمی‌آید. تنها عنصر آرایشی آن که وجودش احتمالا به گونه‌ای نیست که بخشی از مصالح ساختمانی تصور شود گل آرایه یا صفحهٔ سنگی دایره شکل برآمده ای است که در بالای در ورودی بر روی سه گوشهٔ میان دو شیب شیروانی، تراشیده شده بوده است."





According to the reports by the companions of Alexander the Great, most importantly, Aristobulus, who had visited it personally, the tomb was located inside the royal park at Pasargadae and not on its periphery. The tomb contained Cyrus's golden coffin and a couch, on which the royal garments, bracelets, daggers, and other royal funerary gifts were placed. Moreover, according to Greek sources, an inscription on the tomb read, "Mortal! I am Cyrus son of Cambyses, who founded the Persian Empire, and was King of Asia. Grudge me not then my monument."

Interestingly, this building has remained almost undamaged during the course of the following 25 centuries, and surprisingly, during the Islamic period, it was even incorporated into a mosque and was locally known as 'Mashad-e Madar-e Soleiman' (the Tomb of the Mother of Solomon).

بـر پایهٔ گزارش همراهان اسـکندر مقدونی، و از همه مهم تر، به گزارش آریسـتوبولوس (وقایع نگار اسکندر) که خود پاسارگاد را دیده، آرامگاه کوروش در میان باغ های پاسارگاد بوده و نه دربیرون آن. درون اتاق آرامگاه، تابوتِ زرینِ کوروش و سـکویی قرار داشته که بـرروی آن جامه‌های پادشـاهی، بازوبندهـا، خنجرها و دیگر لوازم شـخصی کوروش را نهـاده بودند. افزون بر این، از دیگر منابع یونانی چنین بر می آید که بالای مزار کوروش سنگ نبشـته‌ای بوده به این مضمون: "ای انسـان میرا! منم کوروش، پور کمبوجیه، که امپراتوری پارسـیان را بنیاد کردم، که شاه آسیا بودم. پس بر من رشک مبر و یادگار من واگذار."

این سخن کوروش، به گونه ای شگفت به واقعیت پیوسته و این بنا در گذر بیست و پنج سده از گزند حوادث ایمن مانده است. شگفت انگیزتر این که در دوران اسـلامی، این بنا را به مسـجدی تبدیل کـرده و به گویش محلی آن را "مشـهد مادر سـلیمان" نامیدند؛ یعنی آرامـگاه مادر حضرت سلیمان.



A graphic rendering of the tomb

بازسازی گرافیکی آرامگاه

The Tall-e Takht or Throne Hill

The great stone platform, known today as the Takht-e Madar-e Soleiman (the Throne of the Mother of Solomon), was probably intended to serve as a platform for further palatial construction, and this never-finished project may have provided at least part of the inspiration for the later, elevated palatial compound at Persepolis. The buildings that were created, however, may be associated with the "storehouse" mentioned on clay tablets discovered at Persepolis.

تل تخت یا تپهٔ تخت

سکوی سنگی بزرگی که امروزه به نام "تخت مادر سلیمان" شهرت دارد، احتمالا برای ساختن مجموعه ای از کاخ ها برپا شده بود. این پروژهٔ ناتمام، الهام بخش طراحان داریوش بود تا تخت جمشید را بر روی سکویی بالاتر از سطح زمین بنا کنند. با اینحال بر روی تل تخت، ساختمانهایی وجود داشته که بر اساس لوح های گلی تخت جمشید، احتمالاً خزانه یا انبار بوده اند.





Dr. Matthew Stolper, The University of Chicago : "Altogether around 50 Elamite texts and fragments found at Persepolis mention the name of 'Batarakatash', most probably the Elamite version of Pasargadae. Most of the texts deal with regular rations issued to groups of workers. Some refer to supplementary ration payments including one payment to post-partum women and several payments to 'treasury' or 'storehouse' workers (Elamite, 'kapnushki') at Pasargadae."



The Monumental Tower

Dominating the northern edge of the palace area, is a tall stone tower that ascends to a height of nearly 14 meters.
This severely damaged structure is almost identical to the so-called Ka'ba-e Zartusht or "Cube of Zoroaster", at the royal funerary grounds of Naqsh-e Rustam, about 40 kilometers to the south west of Pasargadae.

The masonry of the building consists of large, finely cut blocks of stone, laid without mortar in strictly regular, horizontal courses.

برج یادمانی

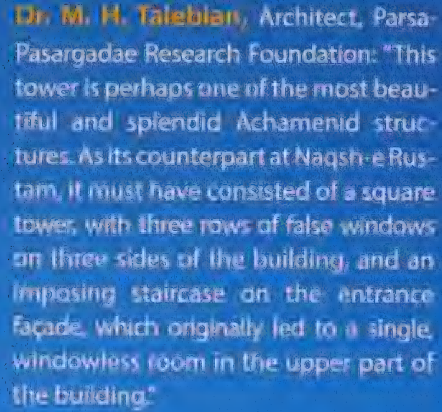
برجی سنگی با ارتفاع ۱۴ متر که به شدت آسیب دیده در قسمت شمالی محوطهٔ کاخ‌ها افراشته شده است تنها نمونه دیگر از این نوع بنا، سازهٔ سنگی مشهور به "کعبهٔ زرتشت" در نقش رستم در ۴۰ کیلومتری جنوب غربی پاسارگاد است، که آن نیز از ساخته های دوران هخامنشی است و از روی برج یادمانی پاسارگاد الگو برداری شده است.

بنای این سازه شامل تخته سنگ‌هایی بزرگ است که به دقت بریده و صیقل خورده اند و در ردیف های منظم بدون ملات و با استادی بر روی هم چیده شده‌اند



aster" at Naqsh-e Rustam

"کعبهٔ زرتشت" در نقش رستم



Dr. M. H. Taleblan, Architect, Parsa-Pasargadae Research Foundation: "This tower is perhaps one of the most beautiful and splendid Achamenid structures. As its counterpart at Naqsh-e Rustam, it must have consisted of a square tower, with three rows of false windows on three sides of the building, and an imposing staircase on the entrance façade, which originally led to a single, windowless room in the upper part of the building."

Unfortunately, there is no evidence as to the function of this wonderful structure. Nevertheless, some scholars believe that this tower may have had a sacred connotation and was perhaps used for funerary purposes or even as an exalted shrine holding the sacred fire.



دکتر محمد حسن طالبیان، آرشیتکت و مدیر بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد:

"این بنای یادمانی زیباترین و خوش شناسه ترین بنای دوره هخامنشی بوده است. این بنا از برجی چهارگوشه شکل گرفته و در گوشه‌ها تقویت شده است. در سه سطح اطراف آن سه ردیف پنجرهٔ کاذب تراشیده‌اند. در نمای ورودی آن پلکان با ابهتی است که در اصل به تک اتاق بی پنجره در فراز بنا راه داشته است."

تاکنون نشانی که کاربرد این بنای شگفت را مشخص کند یافت نشده است. گرچه برخی دانشوران باور دارند که این برج مفهومی مقدس داشته و شاید به هنگام مراسم آیینی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. برخی نیز آن را نیایشگاهی پر جلال و جبروت و محل نگهداری "آتش مقدس" می‌دانند.





THE SACRED PRECINCT

In close proximity to the Monumental Tower, stands the "Sacred Precinct", marked by the presence of two stone plinths that stand some nine meters apart and reach over two meters in height. Based on the similarly elevated fire altar, depicted on Darius's funerary monument at Naqsh-e Rostam, it has been credibly argued that the function of the first plinth was to serve as a platform from which the king could worship, while the second plinth may have been used for the fire altar.

محوطه مقدس

[illegible] «محوطه مقدس» قرار دارد. این محوطه دارای دو سکوی سنگی است که نزدیک به ۹ متر فاصله و هر یک بیش از دو متر بلندا [illegible] نقش رستم، چنین استدلال شده است که در اینجا نیز شاه بر روی [illegible] برای گذاشتن آتشدان یا پیشکش کردن قربانی بوده است



نیا را همی بود آیین و کیش　　پرســـتیدن ایـــزدی بود پـــیش
نگویی که آتش پرستان بدند　　پرستـــنده پـــاک یـــزدان بـــدند
در آنگه بدی آتش خوب رنگ　　چو مر تازیان راست محراب سنگ

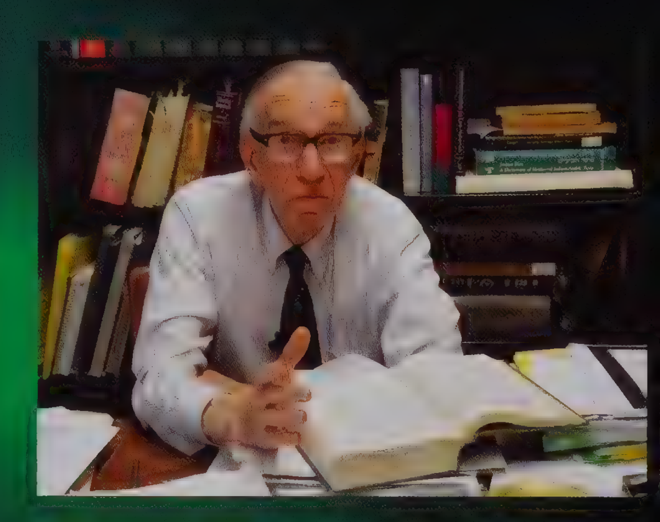
فردوسی

Dr. Shahrokh Razmjoo, Archaeologist, Tehran:
"Almost nothing is certain about Cyrus the Great's personal beliefs, but Xenophon in his Cyropaedia mentions that, in religious matters, Cyrus followed the instruction of the Magians at his court, the Babylonian texts recognize him as the worshiper of Marduk and the Old Testament considers him as the shepherd of Yahweh while some scholars argue strongly that Cyrus was a Zoroastrian. I believe that he most probably followed an Iranian religion that respected and was tolerant to other religions."

دکتر شاهرخ رزمجو، باستان شناس و استاد دانشگاه:
"درمورد باورهـــای دینی کوروش کبیر آگاهی‌های اطمینان بخشی در دست نیست، اما گزنفون در کتاب تربیت کوروش (کـــوروش نامه یا *Cyropedia*) آورده اســـت که کوروش در کارهـــای دینی از مغان دربار پیروی می کرد. برخی همچون پروفســـور مری بویس کوروش را زرتشتی می دانند و این در حالی است که مدارک بابلی کوروش را پرستندهٔ خدای بابل یعنی مردوک می نامند و عهد عتیق او را پرستندهٔ یهُوه می داند. ولی بیشتر به نظر می آید که وی پیرو یکی از دینهای ایرانی بوده که این دین برای ادیان دیگر احترام و ارزش قائل بوده است."

Prince of Persia

Whatever his religious beliefs may have been, Cyrus the Great, this true "Prince of Persia", however, appears to have initiated a general policy of permitting religious freedom throughout his domains. The best source that depicts this tolerant character is the Old Testament.



Dr. Norman Golb, The University of Chicago:
"Chapters 40-55 of the Book of Isaiah may well have been written by a witness to the fall of Babylonia; some extended passages are similar in both spirit and context to contemporary Babylonian texts praising Cyrus and condemning Nabonidus. In the book of Isaiah Cyrus is mentioned twice by name and designated as the 'anointed one' of the Lord: 'Thus says the Lord to Koresh his anointed, Koresh whom he has taken by his right hand to overcome nations before him....' (Isaiah 45:1-2). God also says to Cyrus: 'You shall be My shepherd to carry out all My entire purpose' (Isaiah 44:28).

Lapis-lazuli head of a statue of a young beardless Persian prince, Iran National Museum

شهزادهٔ پارسی

اما، صرف نظر از باورهای دینی‌اش، به نظر می‌رسد که کوروش بزرگ نخستین پادشاهی بوده که سیاست کلی آزادی مذهبی را در سراسر قلمرو خود در پیش گرفته است. بهترین منبعی که این دیدگاه را تایید می کند، عهد عتیق یا تورات است.



دکتر نورمن گُلب، استاد تورات شناسی، دانشگاه شیکاگو:
"آیات ۵۵-۴۰ کتاب اشعیاء در تورات را احتمالا کسی نوشته که خود سقوط بابل را به چشم دیده، و به لحاظ محتوا و روح کلام شباهت بسیار دارد با وقایع نگاری‌های بابلی که در همان روزگار نوشته شده اند. این کتاب با ستایش از کوروش آغاز می‌شود و سپس نبونایید را نکوهش می کند.

دراین کتاب دو بار نام کوروش آمده و با صفت مسح شدهٔ خداوند (مسیح) از او یاد شده است: "به مسیح خویش یعنی کورَش که دست راست او را گرفتم تا به حضور وی امت ها را مغلوب سازم..."
(اشعیاء ۱و۲ :۴۵)

و نیز یهووه در باره کوروش گوید که: " او شبان من است و تمامی اهداف مرا به اتمام خواهد رسانید." (اشعیاء ۴۴:۲۸)

تندیس کوچک یک شاهزاده پارسی که از سنگ لاجورد ساخته شده است. موزهٔ ملی ایران، تهران

Pasargadae Palace Precinct

The heart of Pasargadae consists of the palace precinct, an almost flat ground lying approximately midway between the tomb of Cyrus and the Tall-e Takht or Throne Hill.

Nestled in the heart of this extensive and superbly designed Royal Park, are three palaces and two small pavilions. These palaces and pavilions all had rectangular columned halls and porticoes.

محوطهٔ کاخ های پاسارگاد

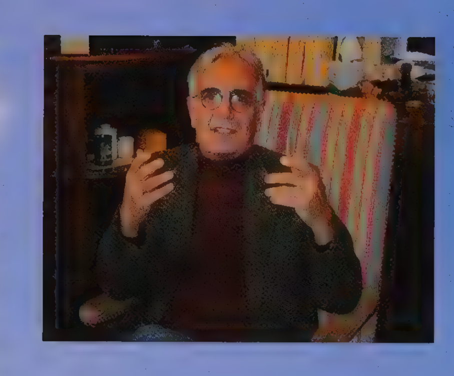
درقلب پاسارگاد محوطهٔ کاخ‌ها قراردارد. محوطه‌ای تقریبا مسطح که میان آرامگاه کوروش و تل‌تخت و در قلب باغهای شاهی واقع شده است.

درست در دل این باغ های وسیع، سه کاخ و دو کوشک آشیان گرفته اند این کاخ ها و کوشک ها همه دارای تالارهای چهارگوشهٔ ستون دارندکه از روش قرارگرفتن آنها می توان نتیجه گرفت که برای این مجموعهٔ فرح بخش، ازپیش نقشهٔ جامعی اندیشیده و طراحی کرده بودند.





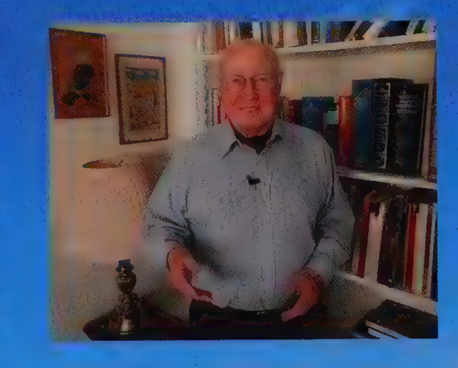
Dr. Abbas Alizadeh, the University of Chicago: While the components of the palace complex must have been [illegible] — the Entrance Gate, the Audience Hall, and the Residential [illegible] were spatially separated by [illegible] buildings in the [illegible] essentially a [illegible] century [illegible]



دکتر عباس علیزاده، باستان شناس و استاد دانشگاه شیکاگو: "میان باغ ها، نهرهای آب، و کاخها و کوشک ها ارتباط نزدیکی وجود دارد. اما سه کاخ درخشان درقلب این پردیس شکوهمند- کاخ ورودی، کاخ بارعام، و کاخ مسکونی - با فاصله هایی نزدیک به دویست متر از یک دیگر جدا شده اند. هر یک از این ساختمان ها در این کلیت توجه پاسارگاد، گونه های متفاوت یک طراحی برنامه اند، که شالوده ی ژرف جهان معماری هخامنشی از قرن ششم پیش از میلاد به بعد را به نمایش می گذارند."

Professor David Stronach, University of California, Berkeley:

"These palaces were designed as open, crystalline structures with a new, four-sided character. Such buildings invited inspection from every direction, and in keeping with the generous proportions of the site, care was taken to place them in spacious, well-watered grounds amidst a profusion of trees, shrubs and grasses."



پروفسور دیوید استروناخ، کاوشگر اصلی پاسارگاد و استاد دانشگاه کالیفرنیا در برکلی:

این کاخ ها با ویژگی نوین چهار سویه‌شان چنان طراحی شده اند تا بناهایی وسیع باشند و همچون الماس، روشنی و درخشندگی داشته باشند. این بناها از چهارسو، نگرنده را محو زیبایی و جلال خود می‌کنند. از آن جا که این مجموعه در زمین پهناوری بوده، دقت بسیار شده تا این کاخ ها در شاهانه و بزرگ باشند و در جایی پرآب و در میان انبوه درختان و گل‌ها و سبزه‌زاران قرار









Dr. Patrick Hunt, Stanford University: "This part of the royal park was beautifully enhanced by a system of stone-lined water channels and basins that can still be seen. Altogether, they cover a length of over 1 kilometer and guide us to determine the former position of the paths, the trees, and the grassed areas within the garden. Not only is this the first example of the gardens for which Persia later became famous, but it may also be considered as the fore-runner of the formal Persian garden that is divided into four parts known as Chahar Bagh."

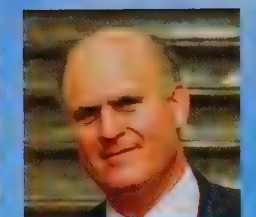
دکتر پتریک هانت باستان‌شناس، گیاه‌شناس و استاد دانشگاه استنفورد:
"زیبایی این بخش از پارک شاهی با جویباران ساخته از سنگ سپید و استخرها و حوضچه‌ها فزونی گرفته بود که هنوز آثاری از آن‌ها به جای مانده است. این جوی‌های سنگی با بیش از یک کیلومتر درازا ما را یاری می‌دهد تا جای اصلی راه‌ها، درخت‌زارها و چمن‌زارها را درون این باغ شاهی مکان یابی کنیم. این باغ‌ها نه تنها نخستین نمونهٔ باغ‌هایی‌اند که با نام باغ‌های ایرانی در جهان مشهور شدند، که نخستین نمونهٔ باغ‌های چهار قسمتی نیز هستند که بعدها در ایران با نام "چهارباغ" شناخته شدند."



The Entrance Gate

Access to the central part of the site in ancient [illegible] would have been through the Entrance Gate, a free-standing, rectangular building, which was originally flanked by winged bulls.

[illegible] the Oriental Institute of the University of Chicago. [illegible] to the findings by the Oriental Institute [illegible] headed by Ernst Herzfeld, wh[illegible] the first team to excavate the site, the [illegible] entrance of this tall building must have [illegible] flanked by a pair of winged bulls while a pair of winged human-headed bulls faced the palace.



کاخ ورودی

در دوران هخامنشیان راه ورود به بخش [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
خاورشناسی [illegible]
[illegible]







Supplementary work by the British Institute of Persian Studies as well as the Parsa-Pasargadae Foundation also revealed several stone fragments of carved curly beard as well as carved feathers outside the main building, emphasizing the possibility that this entrance gate might have been the forerunner to the "Gate of All Nations" at Persepolis.

کارهای تکمیلی بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد و همچنین بنیاد بریتانیایی مطالعات ایرانی در محوطهٔ بیرونی این کاخ منجر به یافتن چندین قطعه سنگ با نقش ریش مجعد و با نقش بال و پرهای یک گاو بالدار شد. کشف این آثار فرضیهٔ الگوبرداری طراحان "دروازه ملل" تخت جمشید را از این مکان تقویت می‌کند.

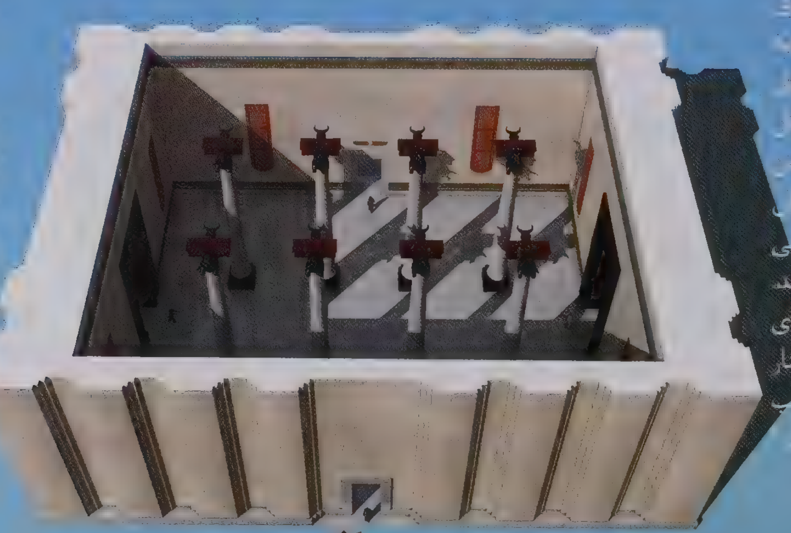
Dr. M. H. Talebian, Architect Parsa-Pasargadae Research Foundation: "Although all that survives of this building are the stone foundations, the upper parts of the walls must have been formed of mud-brick and possibly [illegible].

Meanwhile, this building holds the only more or less intact bas-relief at the site which depicts a sacred being. It is very unique and shows a fusion of the cultural values of that period."

دکتر محمد حسن طالبیان، مدیر بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد: "در اینجا معماری با ترتیب سنگ و دیوارهای خشتی هم خود را به اوج می‌رسانند [illegible]

نقشهٔ کاخ ورودی و بازسازی گرافیکی بر مبنای آن

The plan of the Entrance Gate and its graphic reconstruction



Professor Stronach: "The idea of divorcing the gateway from an associated wall appears here for the first time. This splendid isolation strengthens the symbolic power of the gate, which is now purely monumental in effect, by de-emphasizing its defensive role in favor of its ceremonial function. Cyrus may have been displaying both the strength of an empire that had little need of static defenses and the benevolence of a ruler who sought to welcome rather than exclude the peoples of his dominion.



کوروش یا ذوالقرنین

The Lord of the Two Horns: Zul Qarnain

این نقش برجسته، تصویر کامل انسان مقدسی را می نماید، با ریشی کوتاه، که جامه ای عیلامی به بر دارد و تاجی زیبا که دو شاخ آن را مزین کرده، بر سر

This bas-relief represents a figure in full profile, an Elamite costume, and a short beard, bearing an impressive double-horned crown.



Dr. John Curtis, The British Museum: "A trilingual inscription at the top of this relief (now missing) recorded in Old Persian, Elamite and Babylonian: 'I am Cyrus, the king, an Achaemenid.' Like other inscrip¬tions at Pasargadae, they were probably added in the reign of Darius, after the Old Persian script had been introduced."

دکتر جان کرتیس، موزهٔ بریتانیا، لندن: "نوشتهٔ سه زبانه‌ای در بالای این نقش برجسته به پارسی باستان، عیلامی و بابلی نوشته شده بود: 'منم کوروش، پادشاه هخامنشی' که متأسفانه از میان رفته و اینک در دست نیست. این سنگ‌نبشته را مانند دیگر نبشته های پاسارگاد، احتمالا بعدها، درزمان داریوش؛ هنگامی که خط پارسی باستان ابداع شد، افزوده‌اند."

Thus, many scholars believe that the figure is a representation of Cyrus the Great or perhaps a spiritual depiction of the great, benevolent King. Abol Kalam Azad, the Indian minister of culture at the time of Gandhi, had adopted the view that Cyrus, not Alexander, should be the "Zul Qarnain" or "the Lord of the Two Horns" of Islamic tradition, and he has referred to the horned crown of the Pasargadae figure as one proof of his theory.

بر مبنای این سنگ نبشته، بسیاری از دانشوران می پندارند که این نگاره متعلق به کوروش، پادشاه مهرورز و بزرگ هخامنشی و یا شاید نمادی روحانی از او باشد

شادروان ابوالکلام آزاد وزیر فرهنگ هندوستان در زمان گاندی به این باور رسیده بود که باید کوروش بزرگ، نه اسکندر مقدونی، را ذوالقرنین پنداشت و برای تایید نظر خود به این نقش برجستهٔ پیکری با تاج دو شاخه در پاسارگاد اشاره می کرد



Winged guardian figure on a door jamb at the Entrance Gate, c. 540 B.C

انسان بالدار نقش شده بر یکی از درگاه های کاخ ورودی پاسارگاد، متعلق به ۵۴۰ سال قبل از میلاد

The resemblance of Cyrus to the Quranic Zul Qarnain has also been shared by some other leading experts on Islamic thought.

یکی دانستن کوروش کبیر با ذوالقرنین، شخصیتی که در قرآن مجید به او اشاره شده، مورد تایید دیگر اندیشمندان مسلمان نیز بوده است:



استاد کاظم موسوی بجنوردی، رئیس مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: "بر مبنای تحقیقاتی که ما در مرکز دایرة المعارف اسلامی درباره کوروش و ذوالقرنین انجام داده‌ایم تقریباً اطمینان داریم که این دو شخصیت یکی هستند. همانطور که علامه طباطبایی هم سالها پیش در تفسیرالمیزان بر این موضوع صحه گذاشته اند.

در کتاب مقدس یهود مطالبی راجع به کوروش گفته شده که با آنچه قرآن کریم از ذوالقرنین می فرماید مطابقت دارد. ببینید کوروش چه اندیشه های والا و بالنده ای داشته که مورد خطاب خداوند قرار گرفته است. قرآن ما گویای همین مسئله است. البته شواهد دیگری هم هست. شخصیت کوروش، رفتار کوروش و اندیشه های او، همه اینها نشان دهنده این است که او فقط مقام سلطنت یا مقام فرماندهی نداشته بلکه دارای یک مقام قدسی هم بوده است. کوروش بنیان گذار فرهنگ ایرانی و منش ایرانی و اندیشه ایرانی است. خوب این افتخار بزرگی است برای ما که کوروش همان ذوالقرنین است. بدین ترتیب کوروش پل ارتباطی است بین فرهنگ ملی ایران واسلام."

Kazem Bojnourdi, Head of the Great Islamic Encyclopedia, Tehran:
"According to our research at the Great Islamic Encyclopedia, we can infer that Cyrus and Zul Qarnain of the Quran are the same; very similar to what Allameh Tabatabai in his *Almizan* had reiterated many years ago. Cyrus was so exalted that he was spoken to by God. The holly Quran confirms this.

Furthermore, his stature could also be seen in his thoughts, deeds and character which portray him as a sacred figure and much more than just a king or an administrator. Cyrus could be considered as a source of inspiration for Iranian thoughtfulness, manners and culture, and thus, it is a great privilege for us Iranians to have Cyrus as the Quranic Zul Qarnain. In this way, Cyrus could be considered as a very important and firm bridge between our national Iranian culture and Islam."



Sir Robert Ker Porter's drawing of the winged man when the trilingual inscription on the top was still intact

نقاشی رابرت کِرپُرتر از روی انسان بالدار در زمانی که هنوز نوشتهٔ سه زبانه به خط میخی در بالای آن موجود بوده است



Majestic Columns

Inside the Entrance Gate, the majestic size of the eight column bases, about 2x2 meters, is a clear indication of a towering roof. Comparative analysis indicates that the columns supporting the roof may have stood over 16 meters in height, making the gate the tallest structure at Pasargadae.



ستون های با شکوه

با درنظر آوردن ابعاد بزرگ پایهٔ ستون ها که نزدیک به ۲×۲ متر است، می توان نتیجه گرفت که کاخ ورودی دارای سقفی به بلندای بیش از ۱۶ متر بوده که برهشت ستون ستبر و بلند گردن فرازانه ایستاده، و بلندترین ساختمان در پاسارگاد به شمار می آمده است.



In order to notify the offic[illegible] ding the pr[illegible] and movement of dignita[illegible] in such a vast complex, it was perhaps necessary to use hor[illegible] trumpets. A trumpet, about 120 cm long, fou[illegible] 1957 at Persepolis, is a good [illegible] ample of such[illegible]

برای آگاهی دادن از حضور مقامات برجسته در چنین محیط گسترده‌ای، شاید از کرنا یا شیپور استفاده می کرده‌اند. شیپوری به درازای ۱۲۰ سانتی متر که در سال ۱۳۳۶ در تخت جمشید یافت [illegible] گواهی گویا براین امر باشد

Exiting through the North Western Gate and passing two giant Guardian Sphinxes, the dignitaries and guests from the four corners of the empire, headed towards a bridge that crossed over an invigorating stream, in order to reach the Audience Hall.

میهمانان ومقامات برجسته ای که از چهارگوشهٔ امپراتوری آمده بودند، پس از خروج از دروازهٔ شمال غربی و گذر از کنار دو ابوالهول غول پیکر نگهبان، به سوی پلی می رفتند که برفراز نهری دل گشا ساخته بودند تا از آن جا به تالار بارعام برسند.

Dr. Bo Lawergren, The Metropolitan Museum of Art, New York: "Trumpets were very much used for communications. You could send different kind of signals, because it was a very loud instrument.
This one in my hand, although half the size of a modern trumpet, nevertheless sounded quite clear and strident."



دکتر بو لوِرگرن، متخصص آلات موسیقی، موزه متروپولیتن نیویورک: "از این شیپور برای ایجاد ارتباط [illegible] استفاده می‌شد. از آن جا که بسیار بلند صدا بود، علائم گوناگونی را می‌شد با آن تولید کرد و فرستاد. این شیپور که من در دست دارم با آن که نصف شیپور مدرن است [illegible] می‌کرده است."



An Enchanting Man-made Lake

[illegible], CNRS, France: "In 2008, we observed that this wide segment of the stream is closed at both ends by a sort of wall or dam, with a series of small openings to control the water flow. As a result, the stream is in fact transformed into an enchanting man-made lake, 200 meters long and 1.50m deep (as checked by an electrical survey). This amazing lake was actually located within the garden and very close to the Audience Hall."



دریاچهٔ مصنوعی

باستان‌شـــناس و استاد دانشگاه لیون فرانسه: "در سال ۲۰۰۸ متوجه شدیم که سر و ته این جویبارِ دل گشا، با دیوار یا سـدّی بســته می شــده که در نتیجه یک دریاچهٔ مصنوعی بوجود می آمده که با تایید ژرفایاب الکتریک معادل ۱/۵ متر عمق داشــته است. این دریاچهٔ مصنوعی زیبا که در حدود ۲۰۰ متر طول داشته، درواقع درون باغ های سلطنتی و بسیار نزدیک به کاخ بارعام قرار داشته است."

The Audience Hall

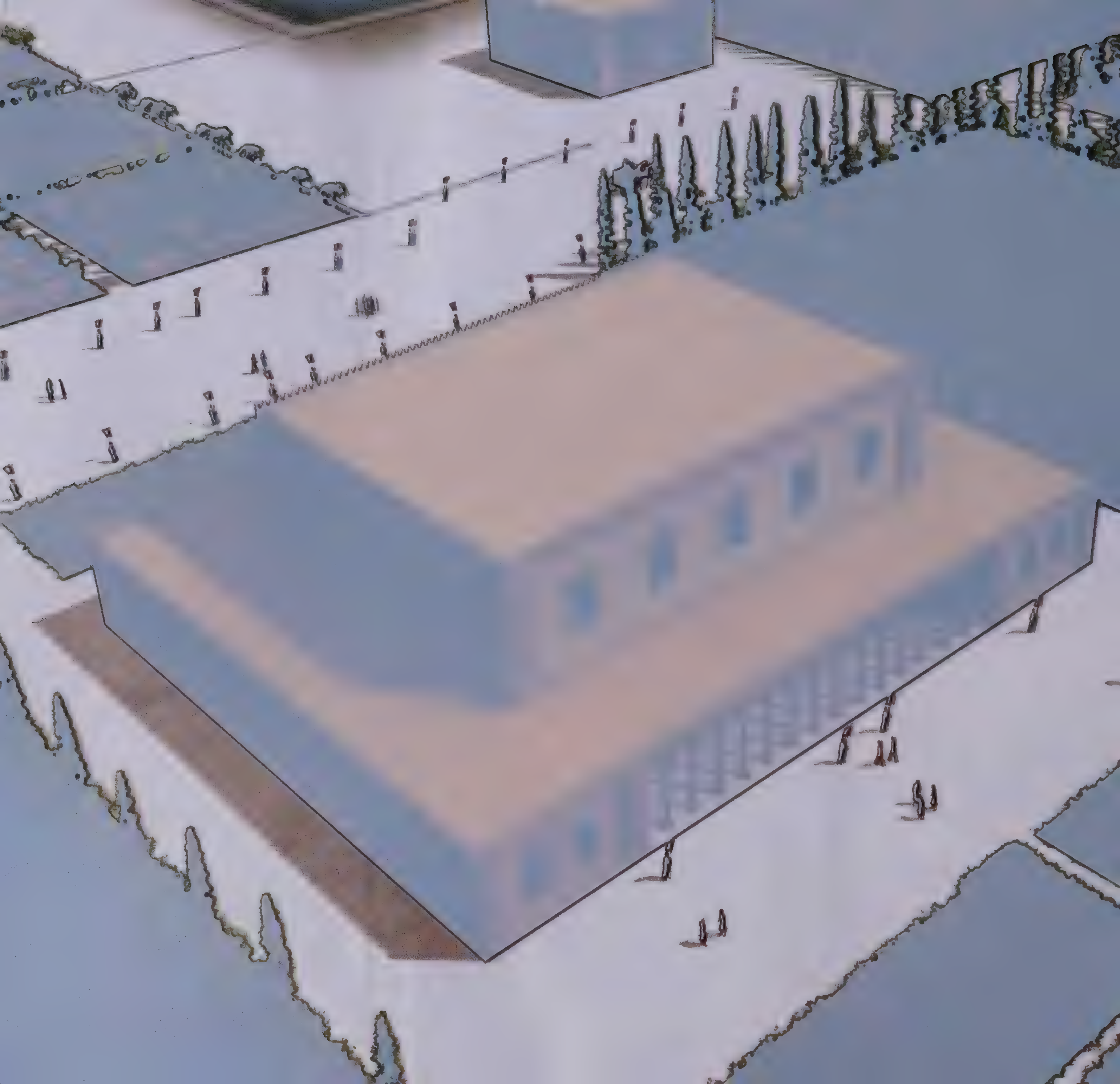
The Audience Hall is situated almost midway between the Entrance Gate and the king's Residential Palace. Known for many years as the place for the only surviving intact column at Pasargadae, this palace was presumably built to serve as the primary public venue for Cyrus and his court.

کاخ بار عام

کاخ بارعام تقریباً بین کاخ ورودی و کاخ مسکونی اختصاصی قرار دارد که به دلیل باقی ماندن تنها ستون سالم پاسارگاد در آن، از سالیان پیش دارای اهمیتی ویژه بوده است. این کاخ را شاید از آغاز برای دیدارهای کوروش و دربارش با میهمانان گوناگون ساخته‌اند.









Dr. M. H. Talebian, Architect, Parsa-Pasargadae Research Foundation: "The core of the Audience Hall, like other structures in the palace area, consists of a central rectangular columned hall, with wooden roofs and doorways leading from the center of each wall to a flanking portico. The northeast portico, faced a garden that was part of the larger royal garden scheme at Pasargadae."



دکتر محمد حسن طالبیان، آرشیتکت و مدیر بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد: "در گونه شناسی معماری ساختمانی، هستهٔ مرکزی دارای تالاری با ستون‌های سنگی است و در اطراف ایوانهایی قرار دارد که این ایوانها از تالار مرکزی کوتاه تر هستند. در گرداگرد این ساختمان دیوارهای خشتی قرار داشته اند، که این دیوارهای خشتی با گوشه سازی‌هایی که در چهار طرف کاخ قرار داشت محدود می شده اند و ایوانها رو به باغی داشته اند که بخشی از باغ سلطنتی را تشکیل می داده است."



A graphic reconstruction of the Audience Hall



Professor David Stronach: "The columns of the porticoes were less than half the height of those in the central hall, so that on passing through the porticoes and entering the hall, visitors would have been struck by the light that streamed from the windows into the elevated space above them."

پروفسور دیوید استروناخ، کاوشگر اصلی پاسارگاد و استاد دانشگاه کالیفرنیا در برکلی: "بلندای ستون‌های ایوان‌ها، نصف بلندای ستون های تالار اصلی است تا میهمانان پس از گذشتن از ایوان نیمه تاریک و ورود به تالار، از ارتفاع سقف و نوری که از پنجره ها به درون تالار می تابیده، در شگفت شوند."



Like the Romans centuries later, the Persians borrowed the best and most advanced ideas from the cultures they conquered and then developed them even further into an artistic tradition uniquely their own.

A good example would be the partially preserved reliefs that once adorned the four entrances of the Audience Hall, which indicate Assyrian influence: the carvings on two doorways show the lower part of a bare-footed human figure in a short skirt and full-length fish-skin cloak.

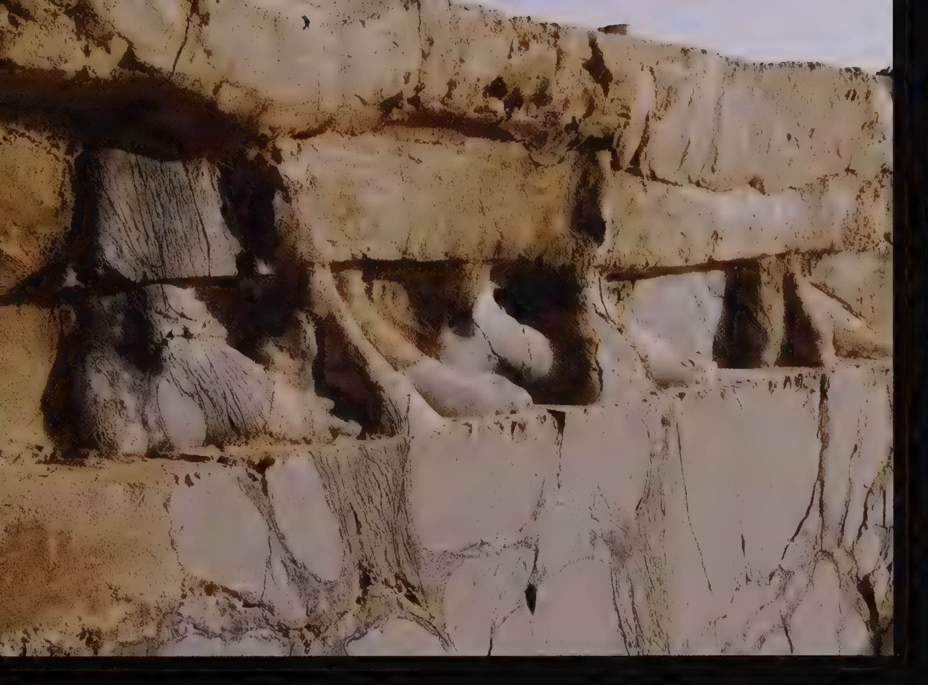




مانند رومیان که در قرن های بعد آمدند، ایرانیان بهترین و پیش رفته ترین فکرها وشیوه ها را از فرهنگ های مغلوب وام مـــی گرفتند، ســـپس آن را متحول کرده و رنگ و روی دلپسندی به آن می دادند و به صورت سنت هنری خویش نمایان می ساختند.

نقش برجســـته‌های نیمه سالم که زمانی چهار ورودی کاخ بار عام را می آراســـتند، موید این باورند، زیرا که از ســـنت آشوری برگرفته شده اند.

دو تا از این حجاری ها، پایین تنهٔ مردی را نشان می دهند که دامنی کوتاه و جبهٔ بلندی از پوست ماهی دارد.



The Gift Bearers

Another damaged relief shows the feet of three long-robed, bare-footed men who are supposedly bringing gifts for the king.

Because of the similarity of these delegates' robes to those of the Egyptian delegates at Persepolis, Hertzfeld suggested that the Pasargadae gift bearers are Egyptians.

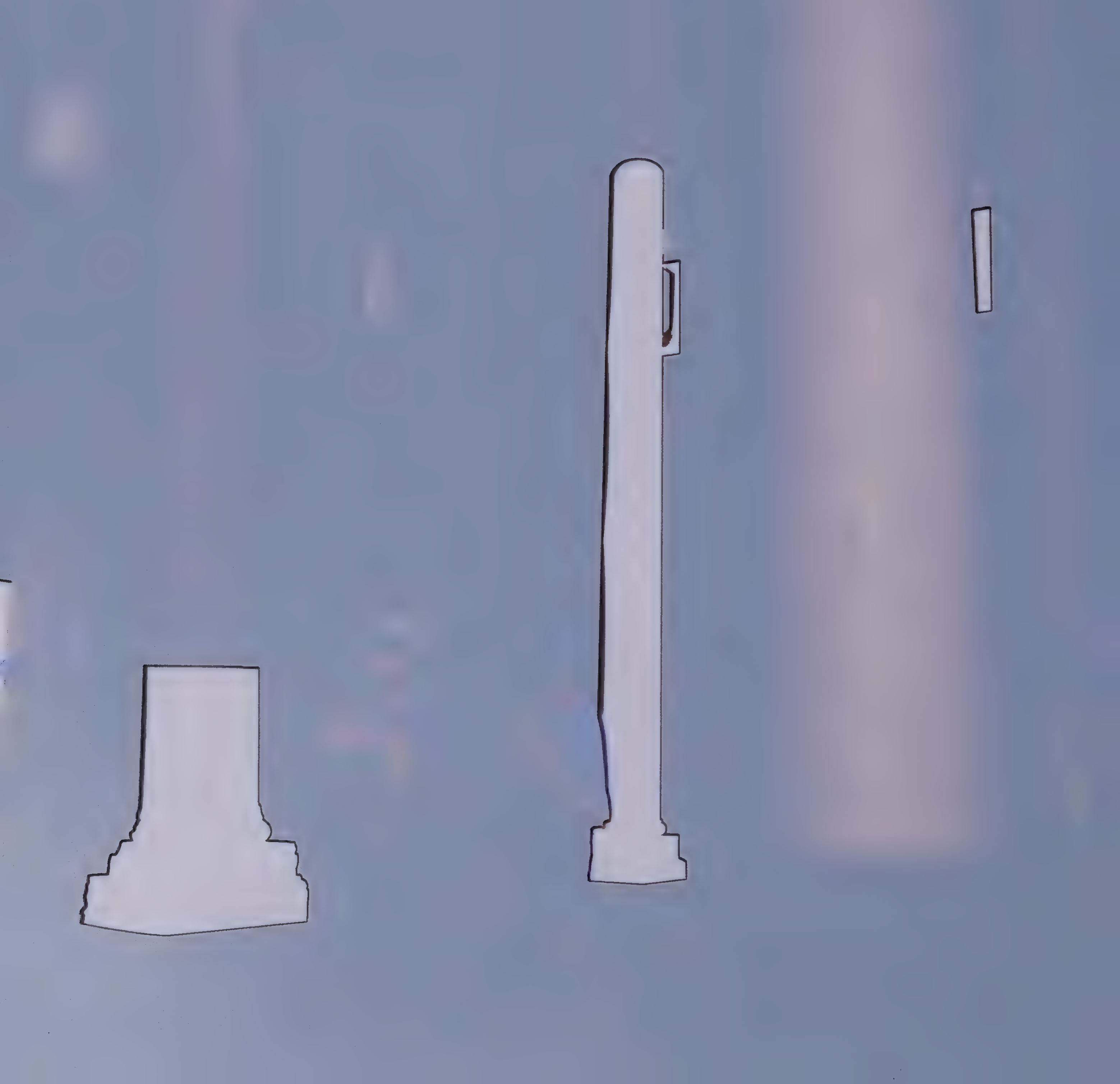
پیشکش آورندگان

یکی دیگر از نقش برجسته‌های آسیب دیده، پاهای سه مرد پابرهنه با خرقه هایی بلند را می نماید که برای شاه پیشکش می آورند. به دلیل شباهت خرقهٔ اینان با خرقهٔ هیات مصری در نقش های تخت جمشید، باستان شناس معروف، ارنست هرتسفلد پیشکش آورندگان پاسارگاد را نیز مصری دانسته است.













Dr. A. M. Arfaee, Philologist, Tehran: "In fact, Cyrus, in his famous cylinder, tells us that 'all kings who sit on thrones, from the Upper Sea to the Lower Sea, brought their weighty tributes to him.' Unfortunately, the gift bearers depicted at Pasargadae are extensively damaged, yet the best depiction of gift bearers to the Achaemenid court could be found at the eastern portico of the Apadana Palace at Persepolis, which is adorned by exquisite reliefs of 23 groups of gift bearers."

دکتر عبدالمجید ارفعی، متخصص زبانهای باستانی: "در واقع، کوروش در استوانهٔ مشهورش می گوید که: همهٔ شاهانی که بر تخت پادشاهی می نشستند از دریای بالایی تا دریای پایینی پیشکش‌های ارزشمندی برای وی می آوردند. متأسفانه پیشکش آورندگان نقش های پاسارگاد به شدت آسیب دیده اند. ولی، بهترین تصویر پیشکش آورندگان به دربار هخامنشی را در ایوان شرقی کاخ آپادانا در تخت جمشید می‌توان دید که با نقش برجسته های فاخر ۲۳ گروه هدیه آور آراسته شده است."



Among them, the Lydians, bring their finest fabrics and wares to present to the king and pledge their allegiance.
Xenephon tells us in the *Anabasis* that armlets were among the items considered gifts of honor at the Persian court.

در میان آنان مردم لیدیه نفیس‌ترین هدایا و ظریف‌ترین ساخته هایشان را برای پادشاه می‌برند و سرسپردگی خود را باز می گویند.
گزنفون در کتاب *آناباسیس* می گوید که: "بازو بندهای فاخر در دربار هخامنشی در شمار پیشکش‌های مهم بوده است."

► گروهی از هدیه آورندگان که در نقش برجسته های کاخ آپادانا در پارسه دیده می شوند
◄ A group of gift bearers depicted on the Apadana reliefs at Persepolis

Gold dust from the Indus Valley, the eastern limit of Achaemenid power, probably filled the containers borne on a yoke by the Indian gift bearer.

نمایندهٔ هندی هم احتمالاً پودر طلا یا ادویه‌جات منحصر بفردی را از شرقی‌ترین ایالات (ساتراپیهای) امپراتوری به ارمغان آورده است.





Dr. John Curtis, The British Museum: "Two gold ibex-headed bracelets, were among a cache of treasures found at Pasargadae. Amongst the small finds from Pasargadae, the most remarkable was a hoard of jewelry hidden in a pottery jar and buried under one of the pavilions. In the hoard, which date from the fifth and fourth centuries B.C., were more than 1,000 items, including three pairs of elaborate gold earrings, a silver spoon, necklaces, and a gold button."

Two Pairs of gold earrings with circular open work bodies, found in a pottery jar in Pasargadae



دکتر جان کرتیس، موزهٔ بریتانیا، لندن: "دو بازوبند زرین با نقش بزکوهی در میان گنجینه ای که در پاسارگاد نهان کرده بودند کشف شد. درمیان یافته های پاسارگاد، از همه توجه انگیزتر، انبوه زیورهایی بود که در کوزه‌ای ریخته و در یکی از کوشک های پاسارگاد در زیر خاک نهاده بودند و تاریخشان به سده های پنجم و چهارم پیش از میلاد می رسد. در این دفینه بیش از هزار فقره زیور، از جمله سه جفت گوشوارهٔ زرین با نقش های شگفت، قاشقی سیمین، چندین گردن بند، و دکمه ای زرین بود."

دو جفت گوشوارهٔ زرین دایره ای شکل که در درون کوزه ای سفالین در پاسارگاد یافت شده اند

The King of Kings' Paradise

Dr. Abbas Alizadeh, Archaeologist, University of Chicago: "Every visitor who entered the king's paradise at Pasargadae must have felt serenity and admiration. Imagine a palace surrounded by lush green area, exotic flowers and beautiful singing birds. The visitor would see the water floating around through white stone water canals that glittered in the sun, refreshing the [illegible] and cooling the air; the sight and the sound thus created would be enchanting."

بهشت شاه شاهان

دکتر عباس علیزاده، باستان شناس و استاد دانشگاه شیکاگو: «در آن کهن سالیان، هر میهمانی که اجازه می‌یافت تا پا به پردیس شاه گذارد غرق در آرامش و ستایش می‌گشت. کاخ هایی را در نظر آورید با ستون های سنگی جلا خورده با آرایه های چوب آورد و پیرامون آن‌ها سبزه و چمن و درختان، گل‌های گوناگون و پرندگان زیبای نغمه‌خوان، با زمزمهٔ آب در جوی های سپید که خورشید درخشنده را باز می‌تاباند و عطر مان باغ را طراوت می‌داد و خنکا به هوا می‌رسید. چشم انداز گوش‌نوازی که بدین سان آفریده می‌شد دل فریب و افسون کننده بود.»





The Residential Palace

This palace, called the Private Palace or the Residential Palace of Cyrus the Great, is about 76x42 meters in size. Its entrance portico is spectacular. Here, the creative masons have masterfully combined black and white stones to create an exquisite and unprecedented bi-chrome effect.

کاخ مسکونی

این ســاختمان که کاخ مســکونی یا کاخ ویژهٔ کوروش نامیده می شــود، نزدیک به ۷۶×۴۲ متر وسعت دارد. ایوان ورودی آن تماشایی است. در این جا سنگ تراشان هنرمند با در کنار هم قرار دادن سنگ های سیاه و سپید، جلوه ای بی سابقه آفریده اند.









Professor David Stronach, University of California, Berkeley: "From Herzfeld's list at Freer Gallery of Art in Washington D.C., we learn that several curved, painted plaster fragments that were found at this palace had running spiral designs and triangles or lozenges. The closeness of this last pattern to one that occurs on plastered column shafts from the Persepolis Treasury is worthy to note."



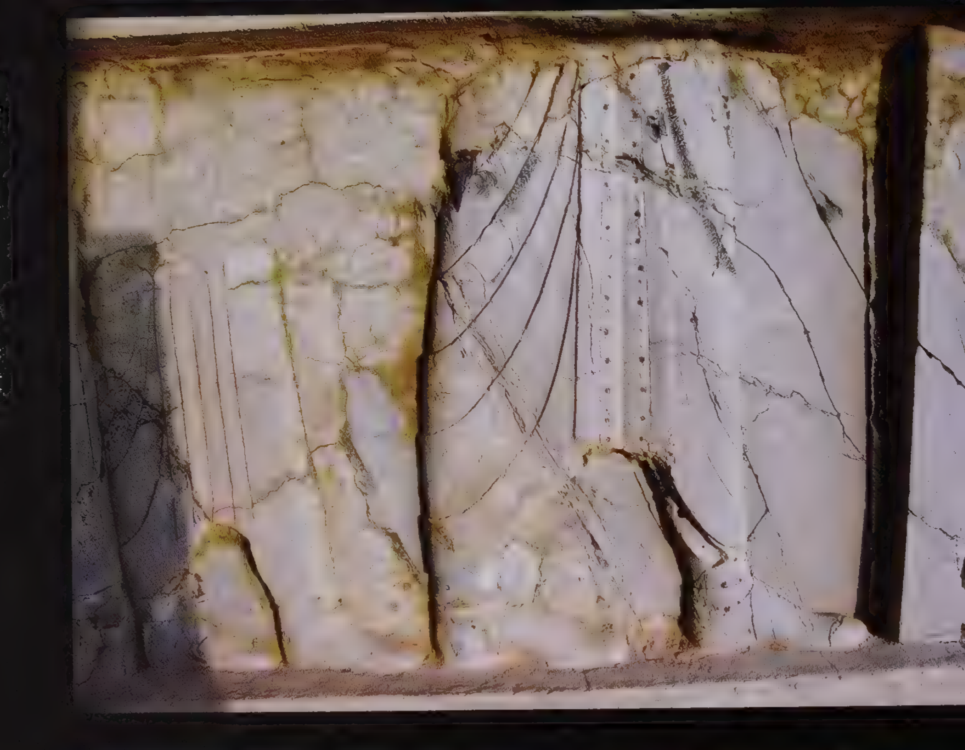
پروفسور دیوید استروناخ، کاوشگر اصلی پاسارگاد و استاد دانشگاه کالیفرنیا در برکلی: "از یادداشت هایی که ارنست هرتسفلد در گالری هنری 'فریر' در شهر واشینگتن به جای گذاشته، آشکار می شود که در این کاخ تکه های خرد و بزرگ گچی یافت شده، که روی آنها طرح های رنگی مارپیچ، سه گوشه و لوزی نقش بسته بود، این طرح ها با طرح ستون های گچ اندود خزانهٔ تخت جمشید بسیار شباهت دارد و یادآور آنها است."

Painted plaster fragments found at the Residential Palace and their colorful reconstruction

تصاویر تکه های گچی نقش دار که در کاخ اختصاصی یافت شده و بازسازی رنگی آنها



Four reliefs with the same theme had once decorated the black limestone jambs of the two doorways connecting the central hall with the porticoes. These reliefs depict the king in formal dress adorned with gold attachments, leaving the palace, followed by an attendant. A brief trilingual inscription in Old Persian, Elamite, and Akkadian, labels the royal figure as "Cyrus, the great king, an Achaemenid."



چهار نقش برجسته با بن‌مایه‌ای یکسان، دیواره‌های راهروهای ورودی کاخ اختصاصی را می‌آراسته اند.
این نقش برجسته ها شاه را با جامهٔ آیینی و با آرایه‌های زرین همراه با ملازمی به هنگام خروج از کاخ نشان می‌دهند. سنگ نبشتهٔ کوتاه سه زبانه‌ای به پارسی باستان، عیلامی و بابلی، این نگاره را چنین می‌شناساند: "کوروش، شاه بزرگ، هخامنشی"





In antiquity, officials used cylinder seals, to sign documents written on clay tablets. These seals, which were rolled across the clay, left impressions which today provide very valuable insight into the daily life of the nobles.





در زمان باستان، بزرگان و مسئولین، اسناد نبشته شده بر لوح های گلین را با استفاده از مهرهای استوانه‌ای امضاء می کردند و به آنها رسمیت می‌بخشیدند. با غلطاندن این گونه مهرهای استوانه‌ای بر روی لوح‌های گلی، نقش مهرها که امروزه اطلاعات مهمّی در مورد زندگی روزمره بزرگان آنروز را به ما می‌دهند، منعکس شده است.

For instance, this rare imprint captures a moment when an attending girl offers a bird to an enthroned queen, while a crowned princess standing in front of an incense burner is also present.

برای نمونه، این نقش مهر، گویای لحظه ای است که ملکه در کنار یک بخوردان زیبا نشسته در حالی که ندیمه اش پرنده ای را به وی اهداء می کند. شاهزاده خانمی هم در کنار تصویر حضور دارد.





Oldest Remains of a Royal Park

The Oriental Institute, University of Chicago: "Over 2500 years ago, the Persians created the largest empire the world had ever seen. The Greeks called them 'barbarians', but here at the ancient city of Pasargadae, the fabulous palaces and exquisitely planned gardens with over 1 kilometer of water channels and basins made of carved white stone and delicately nestled in an enchanting surrounding, tell us a different story."

کهن ترین بازمانده‌های باغ شاهی در جهان

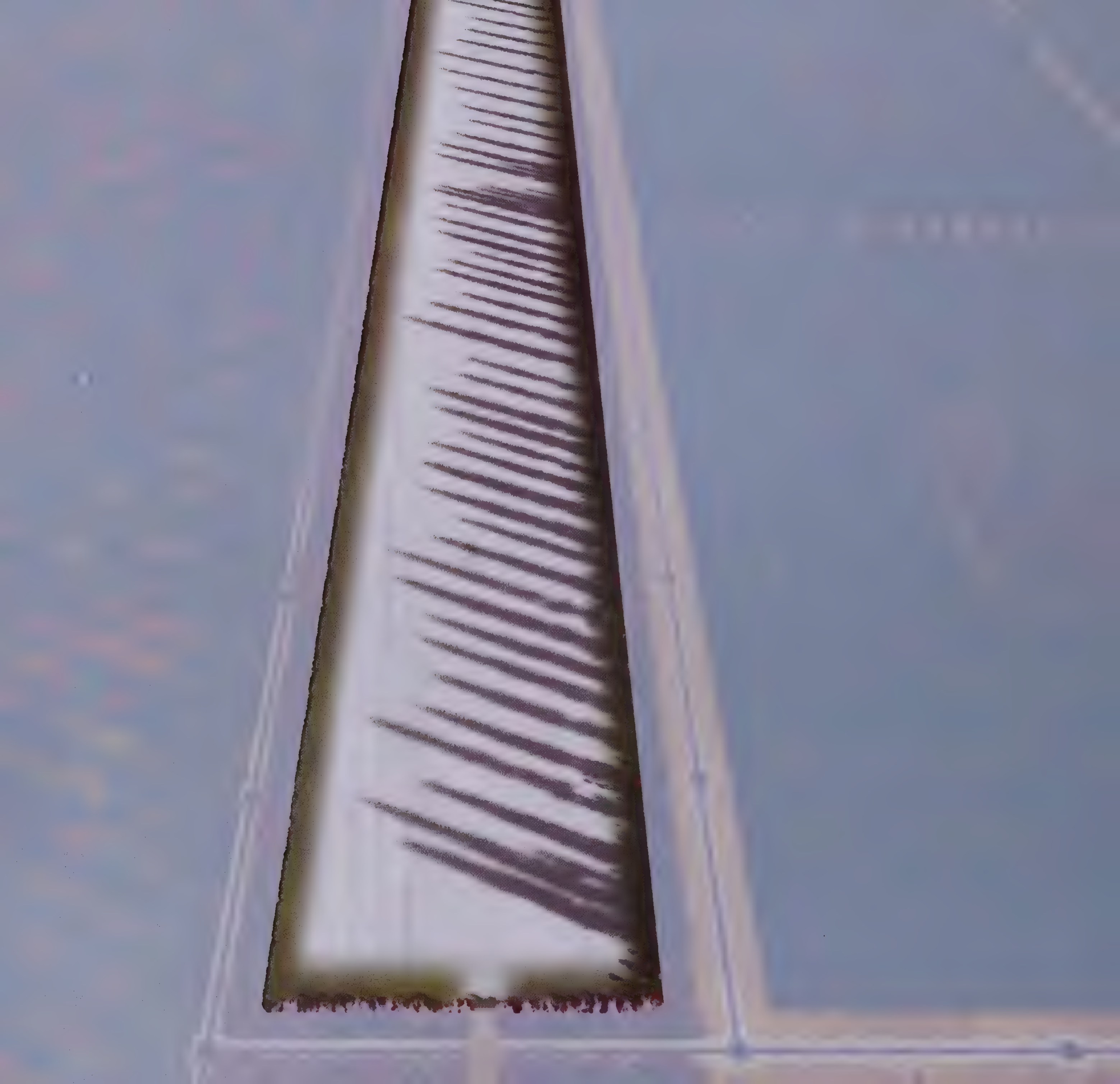
باستان شناس و رئیس موسسه خاورشناسی، دانشگاه شیکاگو: "افزون بر ۲۵۰۰ سال پیش، پارسیان امپراتوری بزرگی بنیاد کردند که جهان تا آن هنگام به یاد نداشت. برخی از یونانیان ایشان را 'بربر' یا بی‌فرهنگ خوانده‌اند، اما این جا در کهن شهر پاسارگاد، کاخ‌های افسانه‌ای و باغ‌های طراحی شدهٔ دل فریب، با بیش از یک کیلومتر جویباران و حوضچه‌های ساخته از سنگ سپید که همه با نازک اندیشی در باغساری افسانه‌ای آشیان گرفته اند، داستانی متفاوت را باز می‌گویند."



Remains of Water Channels and basins at Pasargadae

بخشی از آبنماها و حوضچه های سنگی در پاسارگاد









Dr. Shahrokh Razmjoo, Archaeologist, Tehran: "But what actually grew in the Pasargadae gardens? The kinds of trees perhaps included pomegranates, almonds, grapes, olive trees, citrus, cherries, date and a variety of other trees which reflected the extent of his empire. Every visitor to Pasargadae after passing the mountains and deserts would be astonished to see the bowers of cool shade spring in the midst of dust and glare. Thus, Cyrus the Great's *Pairidaiza*, symbolized heavenly gardens on Earth and in a way showed the king's likelihood to nature and life itself."

دکتر شاهرخ رزمجو، باستان شناس و استاد دانشگاه: " باید پرسید که در باغ های پاسارگاد چه درختانی روییده اند؟ شاید درختان باغهای کوروش کبیر شامل انار و انگور و لیمو و خرما و زیتون و بادام و گیلاس و آلبالو و دسته ای از درختان گوناگون دیگر مناطق بوده تا بازتابی از گستره پهناور کشورش باشد. هر میهمانی که از کوه و دشت و صحرا رد می شد تا به پاسارگاد برسد در اینجا غرق در سبزه و گل زار می شد و از جویبارها و نسیم دل انگیز و بهشتی آن لذت می برد. از این رو پردیس کوروش، نمادی از بهشت برین بر روی زمین و همچنین نمایانگر عشق او به طبیعت و زندگی بوده است."



A fruit garden near Pasargadae







Present remains at the Residential Palace clearly demonstrate that the king and his guests enjoyed the invigorating landscape from a special low bench that ran around the portico with the throne base at its center.

برای استفادهٔ بهینه از این فضای دل انگیز در پیرامون ایوان مشرف به باغ اصلی سکوهایی از سنگ سفید و روکشی
از سنگ مشکی به عنوان نشیمنگاه برای شاه و میهمانانش ساخته شده بود که بخشی از آنها هنوز پابرجا است.







The Four Fold Garden Scheme

Professor David Stronach, University of California, Berkeley: "The central location of the throne base in the 'garden portico' of the Residential Palace suggests that an opening ran down the center of the planted area, providing the king with an unobstructed vista through the chief garden of his estate.

This arrangement effectively divided the garden into four quarters, possibly as a hint of Cyrus's Mesopotamian-derived title 'King of the Four Quarters.' Thus, the gardens at Pasargadae would appear to document the first known occurrence of the *Chahar Bagh*, or four fold garden, a specific articulation of space that went on to become a characteristic mark of later garden design, not only in Iran but far beyond, all the way to Spain and India."



طراحی چهار باغ

پروفسور دیوید استروناخ، کاوشگر اصلی پاسارگاد و استاد دانشگاه کالیفرنیا در برکلی: "موقعیت مرکزی محل نشستن پادشاه که درست در وسط ایوان کاخ مسکونی رو به باغ قرار دارد این فکر را تقویت می کند که روبروی پادشاه و درمیانهٔ باغ راهی بوده است تا شاه از آن گشودگی، چشم اندازی گسترده داشته باشد تا بتواند همهٔ باغ را بنگرد.

این تمهید، باغ را عملا به چهار بخش تقسیم می کرده است. و شاید این چهار بخش به 'شاه چهار گوشهٔ جهان' که در منشور کوروش آمده اشاره داشته باشد، لقبی که مردم میانرودان (بین النهرین) به کوروش داده بودند. از این رو باغ های پاسارگاد بایستی نخستین نمونهٔ چهار باغ در ایران باشد. این باغ ها ویژگی های خاصی داشته اند که بعدها در بسیاری از باغ های بزرگ به کار گرفته شد؛ نه تنها در ایران، بلکه بسیار فراتر از ایران در سرزمینهایی همچون اسپانیا و هند."



مقایسهٔ طرح چهار باغ در پاسارگاد و تاج محل در آگرا، هندوستان

A comparison between the plan of the four-fold gardens at Pasargadae and the plan of the Taj Mahal, in Agra, India





The Quest for Paradise

"Gardens and the quest for paradise have been fundamental to Iranian thought ever since Cyrus, and are continuously expressed in poetry, literature, and painting and, most importantly, in Persian Carpets. Arthur Upham Pope said, 'The garden in all its splendid aspects is the basic theme of Persian carpets.' The first famed paradise carpet of note to be recorded was that of the Sassanid ruler Khosrow I (c. 531-571 CE). This lost paradise carpet was described by the iconic Muslim historian Muhammad ibn Jarir Tabari (c. 839-923 CE), an important source for the history of early Islam."

Stanford University

بازسازی نمای بیرونی تاق کسری در تیسفون (نزدیک بغداد امروزی) که فرش بهارستان در حدود پانزده قرن پیش برای زینت بخشیدن آن بافته شده بود

Graphic reconstruction of the great Ivan of Khosrow or Taq-e Kasra in Ctesiphon (near present-day Baghdad) which was adorned with the Baharestan Carpet some 1500 years ago

در جستجوی بهشت

دکتر پتریک هانت، باستان شناس و استاد دانشگاه استنفورد: " ایجاد باغ و جستجوی بهشت را گویی ازآغاز دراندیشهٔ ایرانی سرشته بوده اند، و پس از کوروش بی وقفه در شعر و ادب و نقاشی و از همه مهم تر در قالی های ایرانی تداوم یافته است. آرتور پوپ (۱۹۶۹-۱۸۸۱)، ایران شناس مشهور گفته است که "بن مایهٔ اصلی قالی های ایرانی باغ و بوستان در اوج شکوه و زیبائیش است." نخستین قالی مشهور که نقش هایی دل فریب و بهشتی داشته، قالی خسرو انوشیروان است (۵۳۱ تا ۵۷۱ م.) که شرح این قالی را تاریخ نویس بزرگ، محمد جریر طبری در کتاب تاریخش، به دقت وصف کرده است."



A graphic reconstruction of the "Baharestan" Carpet

بازسازی گرافیکی فرش جواهر نشان بهارستان



In Tabari's words: "[There] was a huge carpet, depicting a garden with streams and paths, trees and beautiful spring flowers. The 'flowers' being blue, red, yellow, or white stones. The edges of the streams were worked in stripes, and between them, stones bright as crystal gave the illusion of water, the size of the pebbles being what pearls might be."

محمد جریرطبری نوشته است: "به کاخ تیسفون خسرو اول قالی بس بزرگی بود که باغی را با نهرها و راه ها، و درختان و گل‌های بهاری می‌نمود. در حاشیهٔ پهن اطراف آن باغچه‌ها نقش کرده بودند با گل‌های رنگارنگ. واین گل‌های رنگین گوهرهای کبود، و زرد و سرخ و سپید بودند. زمین به رنگ زرین بود، لبهٔ نهرها را راه راه کار کرده بودند و میانشان گوهرهای درخشان همچون الماس نشانده بودند تا دیده را بفریبد و چون آب بنماید؛ و سنگریزه های ته نهرها همه مروارید بود."





A Safavid carpet, 17th century A.D., the Lyon Textile Museum, France

فرش زیبای صفوی، قرن ۱۱ هجری، موزه منسوجات لیون، فرانسه

Persian Carpets and Tiles: Echo of Paradise

In beautifully illustrated traditions of Persian design lasting for millennia, paradise gardens were echoed by magnificent carpets as well as tile works, especially in the 16th and 17th century, during the Safavid Dynasty.



Tile work with floral patterns, early 18th century, Isfahan

بخشی از کاشیکاری داخلی مدرسه چهارباغ در اصفهان، قرن دوازدهم هجری، اصفهان

قالی‌ها و کاشی‌های ایرانی : پژواک بهشت

هزاران سال است که باغ‌های بهشت در طرح‌های باشکوه هنرهای سنتی ایران، به ویژه در قالی‌ها و کاشی‌های سده‌های دهم و یازدهم هجری و به هنگام پادشاهی صفویان، پژواک دل انگیزی داشته‌اند.



A delicate floral silk carpet, Qom, Iran

قالیچه ریز بافت ابریشمی، قم، ایران



The paradise gardens at Pasargadae and their impact on Persian carpets and other Iranian art work is not the only legacy that Cyrus the Great is remembered by.

بـا این حال باغ‌های بهشــت گونهٔ پاســارگاد و تاثیرشـان بر قالی و دیگــر هنرهـای ایرانی، تنها میراثی نیســت که کـوروش برای آیندگان به ارمغان گذاشته است.



Cyrus the Great's legacy

At Pasargadae, Cyrus set the high standards of design and execution for Achaemenid art and architecture. His palace plan of open, crystalline structures with a new, four-sided character was enthusiastically copied in the design of the majestic palaces at Persepolis and Susa by Darius the Great who brought the empire to its zenith.

میراث کوروش بزرگ

کوروش در پاسارگاد برای طراحی و معماری هخامنشی معیاری والا بر جای گذاشت. نقشهٔ کاخ های او که ساختاری وسیع، روشن، نوین و ویژگی چهارسویه داشت، توسط داریوش که امپراتوری کوروش را به اوج بزرگی و درخشش رساند در شوش و کاخهای با عظمت پارسه با [illegible] به کار گرفته شد





A reconstruction of the Entrance Palace and staircase at Persepolis

بازسازی گرافیکی پلکان ورودی و کاخهای پارسه (تخت جمشید)

But this was not all; in fact Cyrus's successors created some of the most astonishing feat of engineering the world had ever seen.

مهندسان هخامنشی کارهای شگفت آور دیگری نیز به انجام رساندند.



Dr. Patrick Hunt, Stanford University: "Everyone has heard of the Suez Canal, but how many have heard of Darius's Canal? This canal was dug some 2500 years ago between the Nile and the Red Sea, anticipating the modern Suez Canal, so that according to the inscription of Darius the Great, found in Egypt, 'ships could sail from a river by name Nile, which flows in Egypt, to the sea which goes from Persia', i.e. The Persian Gulf."

دکتر پتریک هانت، باستان شناس و استاد دانشگاه استنفورد: "همه نام کانال سوئز را شنیده‌اند، اما چند تن تاکنون نام کانال داریوش را شنیده‌اند؟ این کانال را بیش از ۲۵۰۰ سال پیش میان دریای سرخ و رود نیل کندند. داریوش این کانال را حفر کرد تا به گفتهٔ خود او، ثبت شده بر سنگ نبشته‌ای که در مصر یافت شده: کشتی ها بتوانند از رودخانه‌ای که نیل نام دارد و در مصر جاری است به دریایی روند که از پارس می‌آید (یعنی به خلیج فارس)."

More important was the construction of the Royal Road.

همزمان با کشتیرانی، راههای زمینی نیز گسترش چشمگیری یافت.



Caspian Sea
ECBATANA
SUSA
PASARGADAE
PERSEPOLIS
PERSIA
Persian Gulf

Dr. John Curtis, The British Museum: "Stretching about 1600 Miles (2,600 kilometers), this road connected Pasargadae and Persepolis at the heart of the empire, to Sardis and the Mediterranean shores. Nestled in this great highway and other network of roads, were inns and stations at regular intervals which expedited communications through an efficient postal system by fast-riding letter carriers."

These messengers would change their horses at each station and could, therefore, reach their destination at the shortest possible time. This was in fact a prelude to the "pony express" and today's postal system.

دکتر جان کرتیس، موزهٔ بریتانیا، لندن: "جادهٔ شاهی نزدیک به ۲۶۰۰ کیلومتر درازا داشت و از پاسارگاد و پارسه در قلب امپراتوری، به کرانه‌های دریای مدیترانه و شهر سارد می‌رسید. در سراسر این جادهٔ شاهی و شبکهٔ راه‌های دیگر، در فاصله های معین، کاروانسراها، و ایستگاه‌هایی ساخته شد تا از رهگذر اسب سواران نامه‌بر که با اسبان تازه‌نفس و تیزتک، کارآمدی بی‌نظیری داشتند، ارتباطات در کوتاه‌ترین زمان، میسر شود. نامه‌رسانان در هر ایستگاه اسب خود را عوض می‌کردند، از این رو در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مقصد می‌رسیدند."

این سامانه در واقع پیش‌درآمدی برای ایجاد خدمات پُستی در دوهزار سال بعد بود.



But Cyrus the Great's most significant legacy was the Empire itself. The Persian Empire founded by Cyrus, was the first to contain, as Darius the Great proudly says in his inscriptions, "many peoples of many tongues", all the people, in fact, of ancient Near Eastern states of Media, Lydia, Assyria, Egypt and Babylonia. The Achamenids could not have held together their vast, heterogeneous domains by force alone, and much of their strength was drawn from a sophisticated governmental structure, an improved system of communication, and above all, an unprecedented tolerance for the laws, traditions and religions of their subject peoples that few great powers have ever matched.

Delegations from all over the Empire gathered at Persepolis for the New Year (Nowruz) Festivities



اما مهم ترین میراث کوروش بسیار فراتر از امور مهندسی و مدیریتی بود و آن حسن تدبیر و رفتار بزرگ منشانهٔ وی و جانشینانش با ملت های تحت فرمان بود. پارسیان به افکار و عقاید و مذاهب بیگانگان احترام می گذاشتند و از پذیرش آنچه مناسب می‌دیدند ابایی نداشتند. امپراتوری کوروش نخستین امپراتوری در جهان بود که به گفتهٔ داریوش در سنگ نبشته اش در بیستون "مردمان بسیار با زبان های گوناگون"، درآن می زیستند. و این مردمان تقریباً همهٔ ملت های خاورمیانه و خاورنزدیک را شامل می شد. مردم کشورهای ماد، آشور، فینیقیه، مصر، بابل و دیگران که همه در کنار هم و تحت لوای یک قانون بین المللی که داته یا Data (داد) خوانده می‌شد زندگی می کردند.

نمایندگان ۲۸ ایالت امپراتوری برای برگزاری جشن های نوروزی در پارسه گرد هم می آمده اند



منشور کوروش کبیر

(خطوط ۳۰-۲۰) برگرفته از ترجمهٔ منشور کوروش، کار مشترک موزهٔ ملی ایران وموزهٔ بریتانیا

۲۰) منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشهٔ جهان،

۲۱) پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، شاه شهر انشان، نوهٔ کوروش، شاه بزرگ، شا ه شهر انشان، از نسل چیش پیش، شاه بزرگ، شاه شهر انشان.

۲۲) دودمان جاودانهٔ پادشاهی که (خدایان) بل و نبو فرمانروایانش را دوست دارند (و) پادشاهی او را با دلی شاد یاد می کنند، آنگاه که با آشتی به درون بابل آمدم.

۲۳) جایگاه سروری (خود) را با جشن و شادمانی در کاخ شاهی بر پا کردم. مردوک، سرور بزرگ، قلب گشادهٔ کسی که بابل را دوست دارد، همچون سرنوشتم به من بخشید (و) من هر روز ترسنده در پی نیایش او بودم.

۲۴) سپاهیان گسترده ام با آرامش درون بابل گام بر می داشتند. نگذاشتم کسی در همهٔ [سومر] و اکد هراس آفرین باشد.

۲۵) در پی امنیت شهر بابل و همهٔ جایگاه های مقدسش بودم. برای مردم بابل .... که بر خلاف خواست خدایان یوغی بر آنان نهاده بود که شایسته شان نبود،

۲۶) خستگی هایشان را تسکین دادم (و) از بندها رهایشان کردم. مردوک، سرور بزرگ، از رفتار [نیک من] شادمان گشت (و)

۲۷) به من، کوروش، شاهی که از او می ترسد و کمبوجیه پسر تنی ام و به همهٔ سپاهیانم،

۲۸) برکتی نیکو ارزانی داشت. بگذار ما با شادی در برابرش باشیم، در آرامش. به [فرمان] والایش، همه شاهانی که بر تخت نشسته اند،

۲۹) از هر گوشهٔ (جهان)، از دریای بالا تا دریای پایین، آنانکه در سرزمین های دور دست می زیند، (و) همهٔ شاهان سرزمین اموُرو که در چادرها زندگی می کنند، همهٔ آنان،

۳۰) باج سنگینشان را به شوانّه (بابل) اوردند و بر پاهایم بوسه زدند. از شوانّه (بابل) تا شهر آشور و شوش.



The Cyrus Cylinder (Lines 20-30)

From a Translation by: The British Museum and National Museum of Iran

20. I am Cyrus, king of the universe, the great king, the powerful king, king of Babylon, king of Sumer and Akkad, king of the four quarters of the world,

21. son of Cambyses, the great king, king of the city of Anshan, grandson of Cyrus, the great king, king of the city of Anshan, descendant of Teispes, the great king, king of the city of Anshan,

22. the perpetual seed of kingship, whose reign Bel (Marduk) and Nabu love, and with whose kingship, to their joy, they concern themselves. When I went as harbinger of peace into Babylon

23. I founded my sovereign residence within the palace amid celebration and rejoicing. Marduk, the great lord, bestowed on me as my destiny the great magnanimity of one who loves Babylon, and I every day sought him out in awe.

24. My vast troops were marching peaceably in Babylon, and the whole of [Sumer] and Akkad had nothing to fear.

25. I sought the safety of the city of Babylon and all its sanctuaries. As for the population of Babylon ..., who as if without divine intention had endured a yoke not decreed for them,

26. I soothed their weariness; I freed them from their bonds. Marduk, the great lord, rejoiced at my good deeds,

27. and he pronounced a sweet blessing over me, Cyrus, the king who fears him, and over Cambyses, the son [my] issue, [and over] all my troops,

28. that we might live happily in his presence, in well-being. At his exalted command, all kings who sit on thrones,

29. from every quarter, from the Upper Sea to the Lower Sea, those who inhabit [remote districts (and) the kings of the land of Amurru who live in tents, all of them,

30. brought their weighty tribute into Shuanna, and kissed my feet. From [Shuanna] I sent back to their places to the city of Ashur and Susa.

Professor Richard N. Frye, Harvard University: "It is a testimony to the capability of the founder of the Achaemenid Empire that it continued to expand after his death and lasted for more than two centuries. But Cyrus was not only a great conqueror and administrator; he held a place in the minds of the Persian people similar to that of Romulus and Remus in Rome or Moses for the Israelites. The sentiments of esteem or even awe in which Persians held him were transmitted to the Greeks, and it was no accident that Xenophon chose Cyrus to be the model of a ruler for the lessons he wished to impart to his fellow Greeks.



In short, the figure of Cyrus has survived throughout history as more than a great man who founded an empire. He became the epitome of the great qualities expected of a ruler in antiquity, and he assumed heroic features as a conqueror, who was tolerant and magnanimous, as well as brave and daring. His personality, as seen by the Greeks, influenced them and Alexander the Great, and as the tradition was transmitted by the Romans, may be considered to influence our thinking even now."

پروفسور ریچارد فرای، دانشگاه هاروارد: "گسترش امپراتوری هخامنشی پس از درگذشت کوروش و ماندگاری آن تا بیش از دو سدهٔ دیگر را باید گواه کفایت و هوشمندیِ بنیان‌گذارش دانست. اما کوروش تنها کشورگشایی بزرگ و فرماندهی توانا نبود؛ کوروش در ذهن پارسیان مقامی داشت سنجش پذیر با مقامِ رموس و رومولوس برای رومیان، و یا مقامِ والای حضرت موسی(ع) برای قوم یهود. والایی و احترامی که پارسیان برای کوروش قائل بودند، به یونانیان نیز منتقل شد. از روی تصادف نبود که گزنفون در درس‌هایی که به هم‌میهنانِ یونانی‌اش می‌دهد، کوروش را در مقام حکمرانی نمونه بر می‌گزیند.



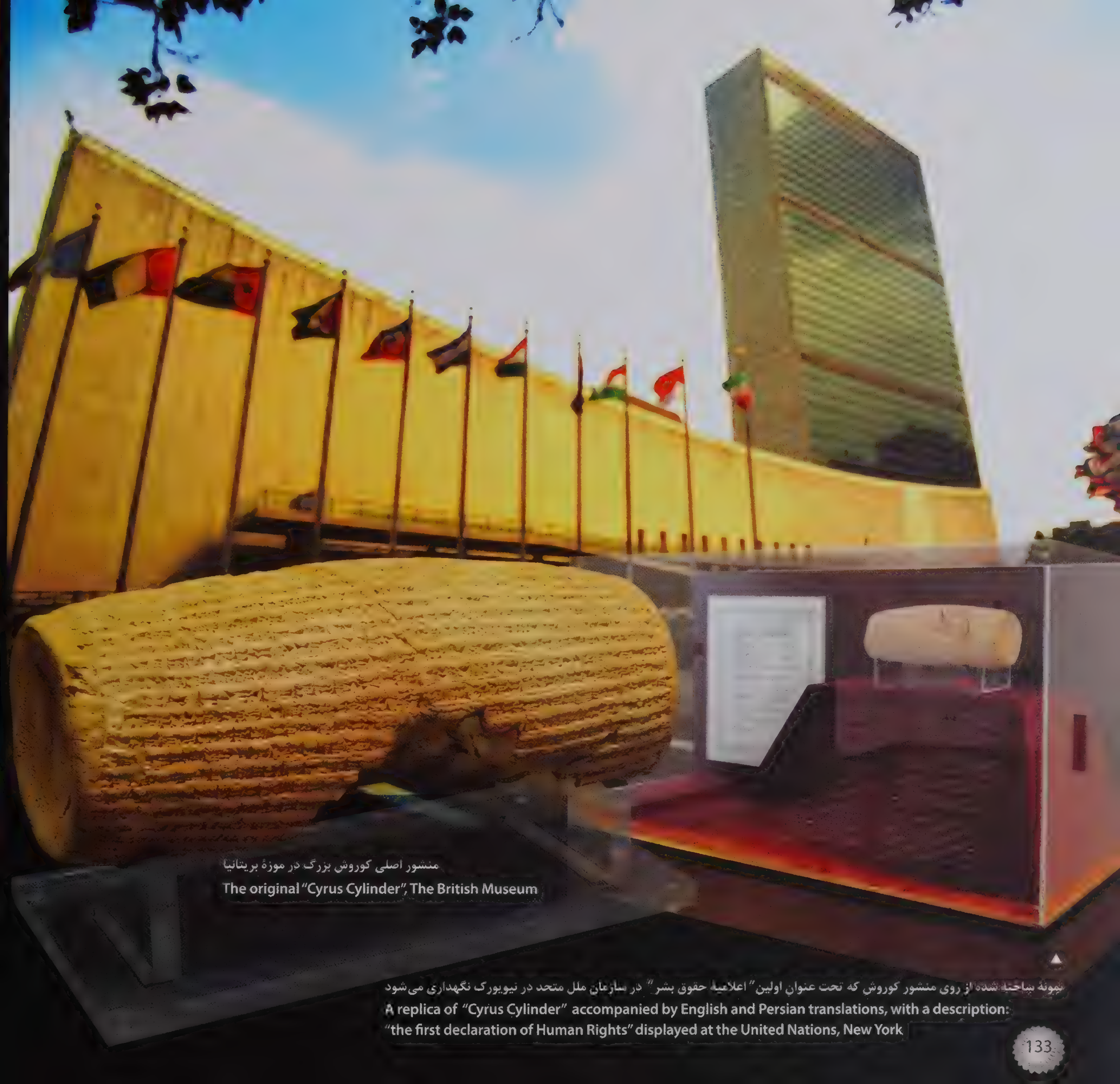
A rendering of Cyrus the Great, courtesy of master painter Mr. H. Shak[illegible]

کوتاه سخن اینکه، سیمای کوروش درسرتاسر تاریخ، جایگاهی بس والاتر از مردی بزرگ و صرفاً بنیادگذار یک امپراتوری داشته است. او را جوهر و نمونهٔ کامل همهٔ ویژگیهای نیک کشورداران جهان باستان می دانند. کوروش به خصال قهرمانی هم آراسته بوده است، او کشورگشا بوده است و جسور و شیردل، اما بزرگ منش و اهل مدارا نیز بوده است. شخصیت او به گفتهٔ یونانیان، تاثیری شگرف برخود آنان و بر اسکندر مقدونی و سپس بر رومیان داشته است. بنابراین با توجه به اثرات بنیادینِ قوانین و فرهنگ رم بر جهانِ متمدنِ کنونی، ای بسا که تأثیر اندیشه های کوروش به امروز و به ما نیز رسیده باشد."



Cyrus Memorial at Sydney, Australia, by Lewis Batros, courtesy of Dr. Mana Gharun

یادمان کوروش کبیر در شهر سیدنی استرالیا، ساخته شده توسط لوییس باتروس، عکس از خانم دکتر مانا قارون



منشور اصلی کوروش بزرگ در موزهٔ بریتانیا
The original "Cyrus Cylinder", The British Museum

نمونهٔ ساخته شده از روی منشور کوروش که تحت عنوانِ اولین "اعلامیهٔ حقوق بشر" در سازمان ملل متحد در نیویورک نگهداری می‌شود
A replica of "Cyrus Cylinder" accompanied by English and Persian translations, with a description: "the first declaration of Human Rights" displayed at the United Nations, New York





Acknowledgements

This work is a synergistic product of many scholars and artists. I am indebted to them all for their generous support and cooperation. In this regard, I should like to acknowledge the beautiful calligraphy by master calligrapher Dr. Yadollah Kaboli and the valuable cooperation of Dr. Gholamreza Fanaee, the managing director of Erfan Hospital as well as Mr. Nasser and Mr. Ehsan Mirbagheri, the directors of Gooya House of Culrture and Art.

I would also like to express my deepest appreciation to all the individuals, institutions and museums that assisted me and my colleagues in the production of this book and its companion film, including:

Mr. Mohammad Reza Ahmadian
Dr. Joan Aruz
Prof. Pierre Amiet
Ms. Elham Aghamiri
Mr. Amin Abedi
Mr. Naser Abedi
Mr. Mohammad Abedi
Mr. Yavar Ahmadifar
Ms. Susan Arfaania
Mr. Hossein Athami
Ms. Kefayat Baba Yahoudaeian
Mr. Mohammad Beheshti
Dr. Parvin Bagherzadeh
Mr. Afshin Bakhtiar
Dr. Sheila Canby
Dr. Vesta Sarkhosh Curtis
Dr. Touraj Daryaee
Dr. Irving Finkel
Dr. M.B. Ghahremani
Mr. Mehdi Ghavami
Mr. Mostafa Hashemi-Taba
Mr. Hadi Hariri
Mr. Mohammad N. Haghighat
Mr. Esfandyar Heidaripour
Dr. Ronald Hendel
Mr. Mohammad Homami
Mr. Shahram Khalaj
Dr. Yadollah Kaboli
Mr. Maziar Kazemi
Mr. Hamid Reza Karami
Dr. Isaac Kalimi
Mr. Ibrahim Kazemi Miraki
Dr. Abolfazl G. Mehrabadi
Mr. Hamid Motavaze
Mr. Ismail Mashoofi
Dr. Ali Mousavi
Mr. Mehdi Mousavi
Mr. Nader Mehdipour
Dr. Mehdi Managheb
Mr. Mohsen Mirghavami
Ms. Souzan Naeimi
Ms. Zahra Nazarbeigi
Mr. Ahmad F. Nikbakht
Mr. Naser Onsori
Mr. Atabak Oskooi
Mr. Majid Oskooi
Mr. George Petrossi
Ms. Fereshteh Pouya
Mr. Tahmoures Pouya
Mr. Mohammad Reza Riazi
Ms. Manijeh Rezaian
Dr. Gholamreza Rezaian
Mr. Ali R. Rezaian
Ms. Fatemeh Rezaeian
Ms. Fahimeh Rezaeian
Ms. Farima Rezaeian
Mr. Majid Rahvar
Mr. Hamid Shahanglan
Ms. Farideh Shirkhodai
Mr. Masoud Sharifi
Mr. Ali Shirinejad
Mr. Hossein Ali Sadeghzadeh
Mr. Mojtaba Saleh Zadeh
Dr. Mehdi Tabeshian
Mr. Mehdi Tehrani
Ms. Sara Yasrebi
Dr. Mahlagha Yazdi
Mr. Ahmad Yousefvand
Mr. Farhad Zarei Kordshooli

Iranian Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization
Freer and Sackler Galleries of Art, Washington D.C.
Parsa-Pasargadae Research Foundation
Chehelsotun Palace Museum
Bibliotheque nationale de France
Iran National Museum
Musée du Louvre
The Oriental Institute of the University of Chicago
Cultural Heritage and Tourism Organization of Fars
The Hermitage Museum, Saint Petersburg
Harvard University Art Museum
Trustees of the British Museum
The Victoria and Albert Museum, London
Ghazzali Cinema City
The Metropolitan Museum of Art, New York
The Public Relations of Iranian Cultural Heritage and Tourism Organization
The World Heritage Site of Pasargadae

سپاسگزاری

این اثر محصول همکاری استادان، هنرمندان و یاران بسیاری است و من به همهٔ آنان، به دلیل عنایتی که به این کار داشته اند، همیشه وام دار خواهم بود. از جمله باید قدردان خوشنویسی‌های یکی از سرآمدترین زیبا نویسان شکسته نستعلیق، دکتر یدالله کابلی باشم و مراتب امتنان خود را از آقای ابوالحسن تهامی برای ترجمهٔ متن کتاب از انگلیسی به فارسی و همچنین از آقایان ناصر و احسان میر باقری، مدیران خانهٔ فرهنگ و هنر گویا ودکتر غلامرضا فنایی ریاست محترم بیمارستان عرفان برای پشتیبانی‌های ارزشمندشان اعلام دارم.

تشکر عمیق قلبی من، همچنین تقدیم می شود به یکایک افراد، نهادها و موزه‌هایی که ما را در تهیهٔ این کتاب و فیلم همراه ان یاری کردند:

آقای محمد رضا احمدیان
آقای یاور احمدی فر
دکتر جون آرور
خانم سوسن ارفع نیا
آقای اتابک اسکویی
آقای مجید اسکویی
آقای حسین اطهمی
خانم الهام آقا میری
پروفسور پیر امیه
دکتر پروین باقرزاده
خانم کفایت بابا یهوداییان
آقای افشین بختیار
مهندس محمد بهشتی
آقای ژرژ پطروسی
خانم فرشته پویا
آقای طهمورث پویا
دکتر مهدی تابشیان
آقای مهدی تهرانی
آقای هادی جریری
آقای اسفندیار حیدری پور
آقای شهرام خلج
دکتر تورج دریایی
خانم منیژه رضاییان
دکتر غلامرضا رضاییان
مهندس علیرضا رضائیان
خانم فاطمه رضاییان
خانم فهیمه رضاییان
خانم فریما رضاییان
آقای مجید راهوار
آقای محمد رضا ریاضی
آقای فرهاد زارعی گردشولی
دکتر وستا سرخوش کرتیس
آقای حمید شاهنگیان
آقای مسعود شریفی
خانم فریده شیر خدایی
آقای علی شیری نژاد
آقای حسینعلی صادقزاده
آقای مجتبی صالح زاده
آقای امین عابدی
آقای ناصر عابدی
آقای محمد عابدی
آقای ناصر عنصری
دکتر ابوالفضل غلامی مهر آبادی
دکتر اروینگ فینکل
آقای مهدی قوامی
دکتر محمد باقر قهرمانی
آقای ابراهیم کاظمی میرکی
آقای مازیار کاظمی
آقای حمید رضا کرمی
دکتر اسحاق کلیمی
دکتر شیلا کنبی
آقای حمید متواضع
آقای اسماعیل مشعوفی
دکتر علی موسوی
آقای سید مهدی موسوی
آقای نادر مهدی پور
آقای سید محسن میر قوامی
دکتر مهدی مناقب
آقای محمّد نصیری حقیقت
خانم سوزان نعیمی
خانم زهرا نظر بیگی
مهندس احمد نیکبخت
مهندس مصطفی هاشمی طبا
دکتر رونالد هندل
آقای محمّد همامی
خانم سارا یثربی
دکتر مه لقا یزدی
آقای احمد یوسف وند

سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
موزهٔ ملی ایران
موزه های هنری دانشگاه هاروارد
اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان فارس
موزهٔ هنر متروپولیتن نیویورک
هیئت امنای موزه بریتانیا، لندن
گالری هنری فریر و ساکلر، واشنگتن دی سی
موزهٔ کاخ چهلستون
موزهٔ آرمیتاژ، سن پیترزبورگ
بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد
موزهٔ لوور، پاریس
موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن
کتابخانهٔ ملی فرانسه
موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو
اداره کل روابط عمومی و امور فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
کارکنان پایگاه میراث جهانی پارسه - پاسارگاد
بخشداری پاسارگاد
شهرک سینمائی غزالی

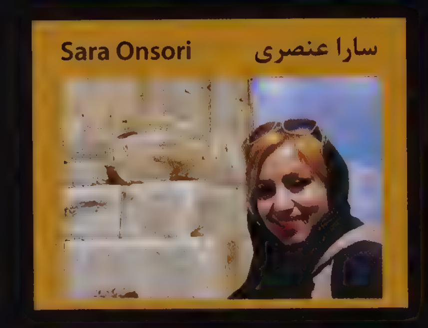
آفرینندگان شکوه پاسارگاد

بازآفرینی بصری شکوه پاسارگاد، تنها با تعهد و کوشش گروهی مصمم و خستگی‌ناپذیر امکان‌پذیر شد. از میان بسیارانی که یار این برنامه بودند سپاس فراوان تقدیم می‌شود به آقای مرتضی یاهو که نماهای رایانه‌ای (گرافیک کامپیوتری) از مکانهای متنوع این شهر شکوهمند را ساخت و تصاویری مملو از هزاران نقش و طرح و رنگ را آفرید. در این مسیر آقایان اشکان آزرمی، میثم کشاورز و هادی مفتاح پور نیز به یاریمان شتافتند.
همچنین از خانم سارا عنصری گرافیست پراستعداد و جوان که به همراهی آقای محسن شریعتی در طراحی و آماده‌سازی این کتاب کوشش بسیار کردند، سپاسگزارم.

Morteza Yahoo مرتضی یاهو

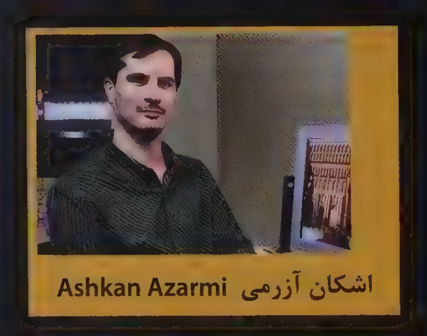


Sara Onsori سارا عنصری



Mohsen Shariati محسن شریعتی





Ashkan Azarmi اشکان آزرمی



Maysam Keshavarz میثم کشاورز



H. Meftahpour هادی مفتاح پور

The Makers of "Recreating Pasargadae"

The visual recreation of Pasargadae was only made possible by the commitments and endeavors of a dedicated team. Of the many people who worked on this project, special appreciation and gratitude is first due to Morteza Yahoo and then to Ashkan Azarmi, Meysam Keshavarz and Hadi Meftahpour, who made the computer generated images of the various sites of this magnificent city and applied a kaleidoscope of designs and colors according to the most up-to-date information.
I also wish to thank Sara Onsori, a talented and young graphic artist who did a wonderful job in the preparation and the design of the book with the collaboration of Mohsen Shariati.


Hossein Hazrati حسین حضرتی


B. N. Chagny بی. ان. شانی


J. Mehrbakhsh جهانبخش مهربخش

This book is also greatly enhanced by the quality of the photographs by Hossein Hazrati Souini and Jahanbakhsh Mehrbakhsh. The aerial pictures were all taken by Mr. B. N. Chagny and provided for us by the Parsa-Pasargadae Research Foundation.

عکس‌های زیبا و استادانهٔ یاران همیشگی آقایان حسین حضرتی سوئینی و جهانبخش مهربخش نیز به این کتاب ارزش و رنگ و جلایی بیش بخشیده است. عکسهای هوایی استفاده شده نیز توسط آقای بی. ان. شانی تهیه شده و توسط بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد در اختیار ما گذاشته شده است.

Farzin Rezaeian is an award-winning documentary and educational film producer and director.

He studied sociology, political science and communications at the University of Illinois in Chicago and then continued his studies in Iranian arts and civilization. For the past twenty years, Dr. Rezaeian has researched and written for many educational and documentary films that he has produced or directed at Sunrise Visual Innovations. *Persepolis Recreated*, *Iran: Seven Faces of a civilization* and *Incredible Isfahan* are his other most recent productions and publications.



فرزین رضاییان تحصیلات خود را در رشته جامعه شناسی، علوم سیاسی و ارتباطات در دانشگاه ایلی نویز(شیکاگو) به اتمام رساند و سپس مطالعات دانشگاهی خودرا در زمینه هنر و تمدن ایران دنبال کرد. دکتر رضاییان در بیست سال گذشته، پژوهش، نگارش متن و کارگردانی فیلم‌های گوناگون مستند و آموزشی را در شرکت طلوع ابتکارات تصویری برعهده داشته است که برخی از آنها جوایز داخلی و یا بین‌المللی را به خود اختصاص داده اند.

شکوه تخت جمشید، *هفت رخ فرخ ایران* و *شکوه سپاهان* جزو آخرین کارهای وی می باشند.

امیدوارم که "نگارگر تقدیر" دوباره در نای خوش‌آوای خود بدمد و ما را در ارائه کارهای مشابه در مورد سایر آثار بی‌همتای فرهنگی کشور عزیزمان ایران، یاری رساند.

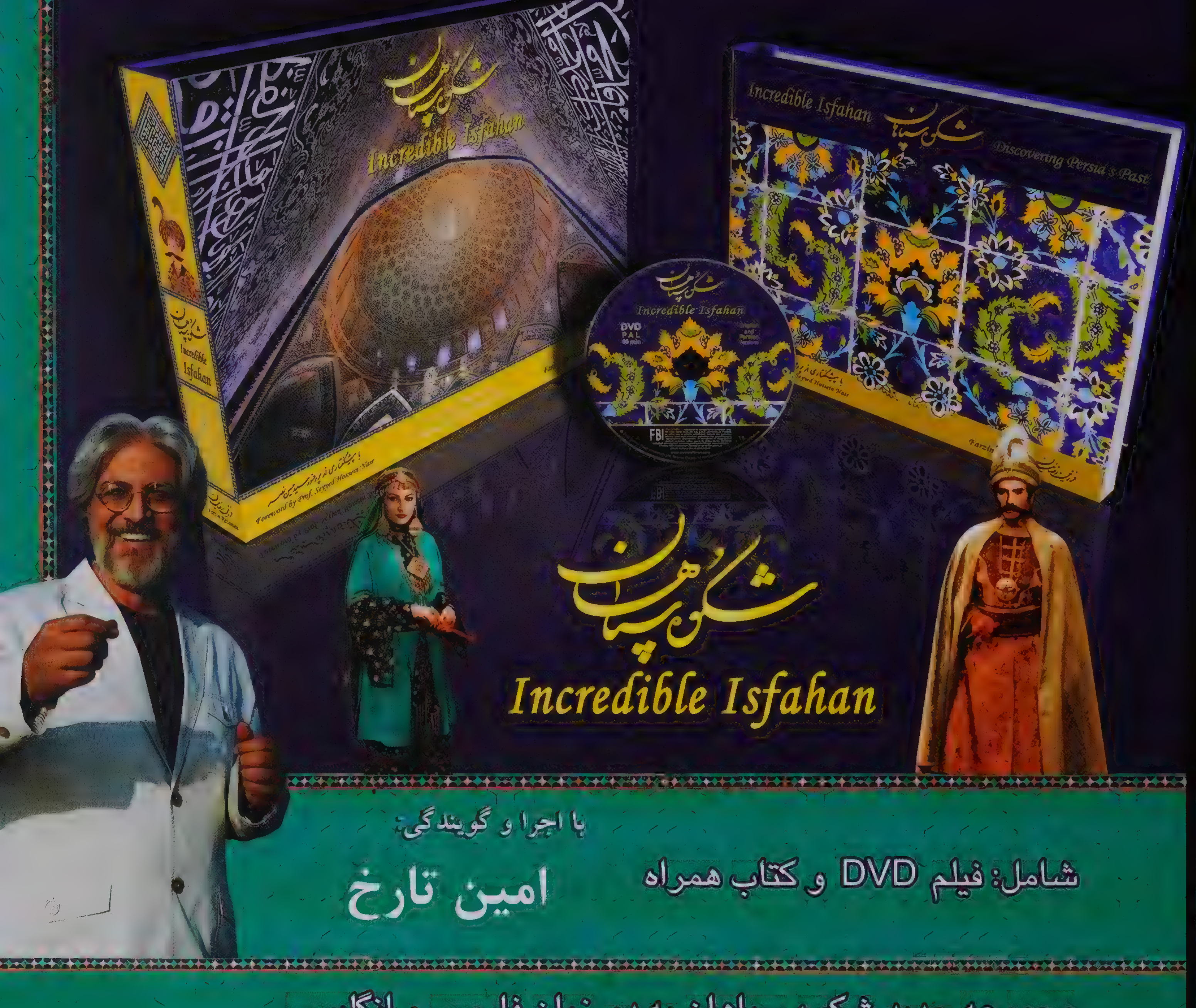
ما چو ناییم و نوا در ما ز توست — ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست (مولانا)



- نقش ما ایرانیان در شکل گیری تمدن بشری چه بوده است؟
- آیا عرصه ای از جهان دانش و معرفت یافت می شود که وامدار ما ایرانیان باشد؟
- آیا تبلیغاتی که اخیراً در قالب فیلم‌های هالیوودی عرضه می شود و از ایرانیان با واژه های "بربر" و "بی تمدن" یاد می شود، واقعیت دارند؟

جواب را از زبان بسیاری از دانشمندان و ایرانشناسان مشهور در گوشه و کنار دنیا بشنوید و شاهد تصاویری جذاب و دیدنی از شاهکارهای ایران در سراسر کشور و موزه های بزرگ جهان باشید.

IRAN SEVEN FACES OF A CIVILIZATION is an illuminating documentary with a companion book that showcases numerous examples of some 7000 years of Iran's celebrated culture, art and architecture. The package includes a book with Persian/English narrative, new colorful and sophisticated overlays, and a film that showcases Iran's art and architectural heritage with excellent graphic reconstructions.



مجموعه جدید شکوه سپاهان به دو زبان فارسی و انگلیسی

سفری رویایی به مرکز فرهنگ و هنر ایران یعنی اصفهان

با پیشگفتاری از: پروفسور سید حسین نصر

Rumi's شکرستان مولانا Sugarland



Coming soon from the same producer and author:

An insight in the poetry and spiritual teachings of the foremost Sufi poet of the Persian language, Jalalu'ddin Rumi,

A combination of inspiring music, limpid poetry, cogent commentaries, and exquisite illustrations, will provide the venue for the fundamental themes of Rumi's timeless message to leap across centuries to join us as a contemporary,

"Rumi's Sugarland": An all-illuminating documentary film and companion book

برنامهٔ آیندهٔ شرکت طلوع ابتکارات تصویری:

رهیافتی به دنیای شعر و آموزه های شیرین بزرگترین عارف پارسی زبان مولانا جلال الدین بلخی

آمیزه‌ای الهام بخش از موسیقی، شعر ناب، تصاویر خیره‌کننده و نقطه‌نظراتِ مولاناشناسان بزرگ دنیا، زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا دریابیم چگونه پیام جاودانی مولانا از درازنای سده ها گذشته و شعر قرن ما و روزگار ما شده است.

شکرستان مولانا، شگفتی های بسیار دارد.







Dr. Patrick Hunt,
Stanford University:

For the first time ever, the Palaces and Gardens of Cyrus at Pasargadae have been comprehensively reconstructed with the participation of many international scholars using modern digital high resolution imagery and state-of-the art computer and visual media.

This exciting new project (with accompanying book and DVD film) includes original narration never before made public.

Pasargadae's first full excavator, Professor David Stronach, leads the scholarly field and the project incorporates new commentary by Iranian and global historians, architects archaeologists, paleobotanists, hydrologists, geologists and other specialist authorities.

With detailed modeling in virtual reality CGI and interactive media using multiple format layers, Farzin Rezaeian's *Recreating Pasargadae* achieves the highest possible scholarship to exponentially increase our understanding of this majestic and timeless Achaemenid Persian complex.

دکتر پتریک هانت،
استاد باستان شناسی در دانشگاه استنفورد:

این نخستین بار است که کاخ‌ها و باغ‌های کوروش بزرگ در پاسارگاد، به صورتی کامل، با بکار گیری آخرین فناوری رایانه‌ای و با همکاری پژوهشگران بزرگ بین المللی، بازسازی شده است.

این مجموعهٔ جدید و هیجان آور که شامل فیلم DVD و کتاب همراه است با هدایت پروفسور دیوید استروناخ، نخستین باستان شناسی که در پاسارگاد به صورتی کامل به کند و کاوهای باستان شناسی پرداخت، تهیه شده است.

با اینحال برای تولید این مجموعه از همکاری و مشورت دانشمندان دیگری که همگی از اعتبار جهانی برخوردارند، در زمینه‌های گوناگونی چون: تاریخ، معماری، گیاه شناسی، باستان شناسی و زمین شناسی نیز استفاده شده که ارزش علمی آن را دو چندان نموده است.

فرزین رضائیان در مجموعهٔ ***شکوه پاسارگاد*** با استفاده از روشهای نوین علمی و تصاویر رایانه‌ای بی همانند به بازسازی هایی دست یازیده که درک ما از پاسارگاد، این مجموعهٔ با شکوه و جاویدان را، به طرزی بی سابقه و بصورتی تصاعدی افزایش می دهد.

Sunrise Visual Innovations Ltd.
Toronto, Canada



info@sunrisefilmco.com

شرکت طلوع ابتکارات تصویری
تهران - ایران